Word	Definition
mathematics /ˈmæt.ɪks/ noun	م ریاضیات
biology /baɪˈɑː.lə.dʒi/ noun	ست شناسی (دانش مربوط به بررسی ویژگیهای جانداران و نحوهٔ تعامل آنها با یکدیگر)
physics / fiz.iks/ noun	م فیزیک
chemistry /ˈkem.i.stri/ noun	م شیمی
biochemistry / baɪ.oʊˈkem.ɪ.stri/ noun	م زیست شیمی (دانش مطالعهٔ فرآیندهای فیزیکی و شیمیایی در داخل موجودات زنده)
geology /dʒiˈɑː.lə.dʒi/ noun	ین شناسی
astronomy /əˈstrɑː.nə.mi/ noun	م نجوم، ستاره شناسی
oceanography /ˌoʊ.ʃəˈnɑː.grə.fi/ noun	انوس شناسی
meteorology / mi:.tj.əˈrɑ:.lə.dʒi/ noun	م هواشناسی
seismology /saɪzˈmɑː.lə.dʒi/ noun	له شناسی
environmental science /ɪnˌvaɪr.ən 'men.tə al.saɪənts/ noun	م محیط زیست (دانش مطالعهٔ محیط زیست و یافتن راهحلهایی برای معضلات آن)
ecology /ɪˈkɑː.lə.dʒi/ noun	م شناسی (دانش بررسی برهم کنشهای میان جانداران و محیط زندگی آنها)
metrology /ˈmet.roʊ.lə.dʒi/ noun	م مقياسات، پيمانهها (مُطالعهٔ علمي اندازهگيريها)
electronics /ɪˌlekˈtrɑː.nɪks/ noun	۔ ترونیک
electronic engineering /ɪˌlekˈtrɑː.nɪk.ˌen.dʒɪˈnɪr.ɪŋ/ noun	نندسى الكترونيك
computer science /kəmˈpju:.t.ə.sarənts/ noun	م کامپیوتر
archaeology (US. archeology) / a:r.ki'a:.lə.dʒi/ noun	متان شناسی (شاخهای از علوم اجتماعی در مورد مطالعهٔ گذشته از طریقِ مدارکِ مادی)
psychology /saɪˈkɑː.lə.dʒi/ noun	نشناسى
linguistics /lɪŋˈgwɪs.tɪks/ noun	ن شناسی (مطالعه و بررسیِ روشمند زبان (مانند نحوهٔ ارتباط انسانها با یکدیگر و))
introduction to literature / ˌɪm.trəˈdʌk.ʃ ən.tu.ˈlɪt٫ə.ɪ.tʃə/ noun	دمهای بر ادبیات
history /ˈhɪs.t.ə.i/ noun	يخ
anthropology /ˌænt.θrəˈpɑː.lə.dʒi/ noun	مان شناسی (بخشی از علوم اجتماعی در خصوص توضیح ابعاد وجودی انسان)
economics /ˌiː.kəˈnɑː.mɪks/ noun	م اقتصاد
statistics /stəˈtɪs.tɪks/ noun	۾ آمار
accounting /əˈkaʊn.tˌɪŋ/ noun	سابداری، اصول حسابداری
philosophy /fiˈlɑː.sə.fi/ noun	سفه (دانش بررسي تفكر دربارهٔ مسائل بنيادين در جهان (مانند هستي، ذهن، ارزش و))
architecture /ˈɑːr.kɪ.tek.tʃə/ noun	مارى
sociology /ˌsoʊ.siˈɑː.lə.dʒi/ noun	معه شناسی (دانش بررسیِ جوامع بشری، برهم کنشها و فرآیندهای ثبات یا تغییر آنها)
ethics /'e0.1ks/ noun	ول اخلاق و رفتار
logic /ˈlɑː.dʒɪk/ noun	طق، شيوهٔ نگرش صحيح
aesthetics (US. esthetics) /es 'θet¸ıks/ noun	بایی شناسی، مبحث هنرهای زیبا (نقاشی، مجسمه سازی و موسیقی)
demography /drˈmɑː.grə.fi/ noun	ارنگاری
1.	ASTRONOMY
Word	Definition
astronomical /ˌæs.trəˈnɑː.mɪ.k əl/ adjective	ومی، وابسته به علم نجوم (بی شمار، عظیم)
astronomer /əˈstrɑː.nə.mə/ noun	تاره شناس، منجم
	زیک نجومی (شاخهای از ستاره شناسی با کاربرد اصول فیزیک و شیمی برای تعیین
astrophysics / æs.trouˈfiz.iks/ noun	هیت پیکرهای آسمانی، به جای موقعیت و حرکت آنها در فضا)

astrology /əˈstrɑː.lə.dʒi/ noun	طالع بینی (پیش گویی آینده از طریق مشاهدهٔ حرکات خورشید، ماه، سیارات و ستارگان)
deviate / di:.vi.eɪt/ verb	منحرف شدن
cosmos (universe) /ka:z.mous/ noun	نظام عالم وجود، کیهان
cosmology /kaːzˈmaː.lə.dʒi/ noun	کیهان شناسی (مطالعهٔ سرآغاز، تکامل و سرانجام نهایی جهان)
infinite /ˈɪn.fɪ.nət/ adjective	بي كران، لايتناهي، نامحدود
cosmic /ˈkɑːz.mɪk/ adjective	کیهانی، مربوط به عالم هستی
celestial /sɪˈles.tʃəl/ adjective	سماوی، الهی، آسمانی
celestial body (heavenly body) /sɪˈles.tʃəl.ˈbɑː.di/ noun	صور فلکی، پیکر آسمانی (یک شیء طبیعی خارج از جو زمین (مانند ماه، خورشید، ستاره و))
celestial globe /sɪˈles.tʃəl.gloʊb/ noun	کرهٔ سماوی (کرهٔ فرضی در فضا که روی آن ستارگان و اجرام آسمانی نقش بستهاند)
terrestrial /təˈres.tri.əl/ adjective	زمینی، خاکی (دنیوی، مادی، جسمانی)
celestial navigation (astronavigation) /- næv.ı gei. fən/ noun	تعیین موقعیت و مسیر با مشاهدهٔ موقعیت ستارگان و یا اندازه گیری زاویهٔ بین یک پیکر آسمانی و خط افق قابل مشاهده (ستاره نوردی، فضانوردی)
stellar /'stel.o-/ adjective	ستارهای، پر ستاره (درخشان)
dwarf star /dwo:rf.sta:r/ noun	ستارهٔ کوتوله (فراوان ترین نوع ستاره از ستارگان معمولی در کهکشان)
nebula / neb.jv.lə/ noun (plural nebulae or nebulas)	سَحاب (ابر عظیمی از غبار، گاز و پلاسما در فضاهای میانستارهای)
nebular (nebulous) / neb.jv.lə/ adjective	سحابی، شبیه سحاب (تار، محو)
4 N 4 1 1 1 1 1 C 1	صورت فلکی، مجمع الکواکب (گردایهای از ستارهها که از دیدگاه زمینی به شکل ویژهای
constellation / ka:nt.stəˈleɪ.ʃən/ noun	مانندسازی و نام گذاری شدهاند)
(1 6 /	جهاننمای مسطح (نقشهای بهصورت دو صفحهٔ قابل تنظیم بر روی یک محور مرکزی برای
planisphere /plæn.ɪsfir/ noun	نمایش صور فلکیِ قابل رؤیت در هر زمان و تاریخ، و ابزاری جهت کمک به نحوهٔ تشخیص آنها)
and colours (MULL W. ) /8a hard all si/ manu	کهکشان راه شیری (کهکشانی در منظومهٔ شمسی بهصورت نوار شیری رنگی در پهنهٔ آسمان
ne galaxy (Milky Way) /ðə.ˈgæl.ək.si/ noun	که از میلیونها ستاره شامل منظومهٔ شمسی تشکیل شده است)
observable /əbˈzə:.və.bl/ adjective	آشكار، معلوم، قابل مشاهده
cluster /ˈklʌs.tə/ noun	خوشه، دسته (گروهی از چیزهای مشابه یا افراد که با هم در ارتباط هستند)
solar /ˈsou.lə/ adjective	خورشیدی، وابسته به خورشید
color conton / conton / conton	منظومهٔ شمسی (سامانهای دربر گیرندهٔ یک ستاره به نام خورشید و شماری از اجرام آسمانی
solar system /- sis.təm/ noun	دیگر که در مدارهایی مستقیم یا غیر مستقیم پیرامون آن میگردند)
solar corona /- kəˈroʊ.nə/ noun	هالهٔ خورشیدی (بیرونی ترین حلقهٔ نور (لایه) خورشید)
solar radiation /- ˌreɪ.diˈeɪ.∫ °n/ noun	تابش خورشیدی
planet / plæn.ɪt/ noun	سیاره (یک جرم آسمانی که در حرکتی مداری به دور یک ستاره یا بقایای ستارهای می گردد)
planetoid (asteroid) / plæn.ə.təɪd/ noun	اجرام ستاره مانند، سیارهای شکل (ستارک)
revolve /rɪˈvɑːlv/ <i>verb</i>	گردیدن، دور زدن
twinkle /ˈtwɪŋ.kl/ verb	برق زدن یا تکان تکان خوردن، چشمک زدن
naked eye /'neɪ.kɪd.aɪ/ noun	چشم غیر مسلح
Mercury /ˈmɜː.kjʊ.ri/ noun	سیارهٔ عطارد یا تیر (نزدیک ترین سیاره نسبت به خورشید)
Venus /'vi:.nəs/ noun	سيارة زهره
Earth /3:θ/ noun	سيارهٔ زمين
Mars /mg:rz/ noun	سيارهٔ مريخ
Jupiter /ˈdʒuː.pɪ.tə/ noun	سيارهٔ مشترى
Saturn / sæt, ən/ noun	سيارهٔ زحل
Uranus /ˈjor ən.əs/noun	سيارهٔ اورانوس
Neptune / nep.tu:n/ noun	سيارهٔ نپتون
Pluto / 'plu:.toʊ/ noun	

orbit /ˈɔːr.bɪt/ noun	مدار، مسیر دوران
spin /spin/ verb	چرخیدن (به دور خود)
satellite /ˈsætəl.aɪt/ noun	ماهواره، قمر مصنوعی
lunar /ˈluː.nə/ adjective	قمری، وابسته به ماه
meteoroid / mintj.oroid/ noun	شهابواره (قطعههای صخره یا فلز سیارکها قبل از برخورد با جو زمین که در فضا شناورند)
meteor /ˈmiː.t.ji.ɔːr/ noun	سیارک یا شهابوارهای که وارد جو زمین یا یک سیارهٔ دیگر میشود
meteor shower /- ʃaur/ noun	بارش شهابی
	شهاب سنگ (قطعهٔ جامدی از بقایای جاماندهٔ جرمهایی مانند شهابواره که توانسته پس از
meteorite /ˈmiː.tjə.raɪt /noun (meteoroid→meteor→meteorite)	گذر از جو و تحمل تأثیر آن، به سطح زمین یا یک سیارهٔ دیگر برخورد کند)
comet /ˈkɑː.mɪt/ noun	ستارهٔ دنبالهدار (یک گلولهٔ برفیِ کیهانی متشکل از گازهای منجمد، سنگ و گرد و غبار در
comet / kdimiv noun	نزدیکی خورشید بهصورت یک ابر بزرگ دنبالهدار)
space (outer space) /speis/ noun	فضا (فضای خارج از جو زمین)
spacecraft (spaceship) /- kræft/ noun	فضاپیما (سفینهٔ فضایی)
space capsule /- 'kæp.s °l/ noun	اتاق کوچک فضاپیما (کابین)
space lab /speis.læb/ noun	آزمایشگاه فضایی
spaceman (astronaut; cosmonaut) /- mæn/ noun	مسافر فضایی، فضانورد
space suit /- su:t/ noun	لباس فضانوردي
space shuttle /- 'ʃʌtəl/ noun	وسیلهٔ حامل فضانوردها و گاهاً ماهواره یا تجهیزات دیگر به فضا
space telescope /- 'tel.ə.skoop/ noun	تلسکوپ فضایی، رصدخانهٔ فضایی (ابزاری معلق در فضا برای مشاهدهٔ اشیای نجومی از فضا)

# 2. GEOGRAPHY

Word	Definition
geographer /dʒiˈɑː.grə.fə/ noun	جغرافیدان (دانشمندی با محدودهٔ مطالعاتیِ جغرافیا، محیط طبیعی زمین و جامعهٔ انسانی)
hemisphere /ˈhem.ɪ.sfɪr/ noun	نیم کرہ
northern hemisphere /ˈnɔːr.ðə·n -/ adjective	نیم کرهٔ شمالی
southern hemisphere /ˈsʌð.ən -/ adjective	نیم کرهٔ جنوبی
eastern hemisphere /ˈiː.stə·n -/ adjective	نیم کرهٔ شرقی
western hemisphere /ˈwes.tə·n -/ adjective	نیم کرهٔ غربی
parallel / per.ə.lel/ noun	خط موازی، مدار (دایرههای فرضی به موازات خط استوا بر روی کرهٔ جغرافیا)
latitude /ˈlæt¸ɪ.tuːd/ noun	عرض جغرافیایی (مختصات مکانی یک نقطهٔ جغرافیایی براساس فاصلهاش از خط استوا)
temperate latitudes /ˈtem.pə.ət -/ adjective	عرضهای معتدل (عرضهای میانی بین مناطق گرمسیری و قطب جنوب)
longitude /ˈlɑːn.dʒə.tuːd/ noun	طول جغرافیایی (مختصات مکانی یک نقطهٔ جغرافیایی براساس فاصلهاش از نصفالنهار مبداء)
horizon /həˈraɪ.z ən/ noun	افق، خط افق (خط آشکار جدا کنندهٔ آسمان از زمین در همهٔ جهات)
equator /i'kwei.tə/ noun	ناحیهٔ استوایی، خط استوا (خط فرضیِ تقسیم کنندهٔ کرهٔ زمین به دو بخش شمالی و جنوبی)
tropic / tra:.pik/ noun	گرمسیری (نواحی گرمسیری بین دو مدار شمال و جنوب استوا)
Arctic /ˈɑːrk.tɪk/ noun	قطب شمال، شمالی، مربوط به قطب شمال (سرد)
Antarctic (Antarctica) /æn'tɑ:rk.tɪk/ noun	قطب جنوب، مربوط به قطب جنوب (قارهای در اطراف قطب جنوب)
<b>expedition</b> /,ek.spəˈdɪʃ. <sup>ə</sup> n/ noun	سفر (معمولاً سفر بلند مدت برای پژوهش علمی)
zone /zoun/ noun	بخش، منطقه، ناحیه، حوزه
time zone /taɪm -/ noun	منطقهٔ زمانی، زمان پهنه (منطقهٔ جغرافیاییِ دارای زمان رسمی معین متناسب با زمان
	متوسط نصفالنهاری مرکز آن (هر یک از ۲۴ قاچ ۱۵ درجهای تقسیم بندی شدهٔ کرهٔ زمین))
topography /təˈpɑː.grə.fi/ noun	توپوگرافی، پستی و بلندیهای عوارض روی زمین
plain /pleɪn/ noun	جلگه، دشت (زمین نسبتاً هموار ناشی از آبرفت رودها که به دریا یا دریاچه دائمی ختم می شود)
l <mark>owland</mark> /ˈloʊ.lənd/ <i>noun</i>	زمین پست، پستی زمین

basin / bei.s an/ noun	حوزهٔ رودخانه، آبگیر، برکه (بخشی از زمین با تجمع مقداری آب)
cavern (cave) / kæv.ən/ noun	غار، حفرهٔ زیرزمینی، گودال (مقعر)
terrain /təˈreɪn/ noun	عوارض زمین (همهٔ پستی و بلندیهای سطح زمین (مانند دشتها، درهها، تپهها و))
subterranean (underground) /sʌb.təˈreɪ.ni.ən/ adjective	زيرزمينى
coastland /koust.lænd/ noun	ساحل
island / ar.land/ noun	جزيره
continental island / ka:n.t, on en.t, ol -/ noun	جزیرهٔ قارهای (جزء جزایر واقع شده در فلاتِ قارهٔ یک قاره)
coral island /ˈkɔːr.əl -/ noun	جزیرهٔ مرجانی (جزیرهٔ متشکل از مواد تخریبی مرجانی با گسترش عمده در زیر سطح آب)
islet /aɪlət/ noun	جزیرهٔ کوچک، جای پرت و دور افتاده
peninsula /pəˈnɪnt.sə.lə/ noun	شبه جزیره، پیشرفتگی خاک در آب
peninsular /pəˈnɪnt.sə.lər/ adjective	شبه جزیرهای
continent /'ka:n.t¸ on.ont/ noun	قاره
continental shelf /- ʃelf/ noun	فلاتِ قاره، ایوان خشکی (سطح شیبدار ملایم بستر آبهای کمعمق دریاها که از انباشت تودههای شن ساحل ایجاد شده و با شیبی ملایم به سوی اعماق اقیانوس ادامه مییابد)
ranges /reindʒz/ noun	رشته کوه
valley /'væl.i/ noun	دره، جلگه
canyon /ˈkæn.jən/ noun	تنگه، درهٔ باریک و تنگ
channel (strait) / 'tʃæn. °l/ noun	مجرا، راه (تنگه)
gulf /gʌlf/ noun	خلیج، گرداب
survey /ˈsɜː.veɪ/ noun	پیمایش، برآورد، نقشه برداری، زمینهیابی
elevation / el.i'vei. on/ noun	بلندی، ارتفاع مربوط به اجسام ثابت در زمین (مانند ارتفاع از سطح دریا)
altitude /ˈæl.t.ə.tuːd/ noun	ارتفاع، فراز یا فاصله از سطح زمین (مانند ارتفاع پرواز هواپیما)
remote-sensing /rɪˈmoʊt.sentsing/ noun	سنجش از راه دور
terrestrial /təˈres.tri.əl/ adjective	زمینی، خاکی
terrestrial heat (geothermal) /- hi:t/ noun	زمین گرمایی (وابسته به حرارت مرکزی زمین)
terrestrial magnetism (geomagnetism) /- 'mæg.nə.t.j.z °m/ noun	خاصیت مغناطیسی زمین (نیروی جاذبهٔ زمین)

# 3. GEOLOGY

Word	Definition
geologist /dʒiˈɑː.lə.dʒɪst/ noun	زمین شناس
geologic age (- time) / dʒi.ə la:.dʒi.k.eɪdʒ/ noun	دورهٔ زمین شناسی
recebuonalogy /dzi a kra'na: la dzi/ noun	باستان شناسی زمین (علم تعیین قدمت سنگها، سنگوارهها و رسوبات)، شرح وقایع
geochronology /dʒi.ə.krəˈnɑː.lə.dʒi/ <i>noun</i>	تاریخی بر مبنای اطلاعات زمین شناسی
geoscience (earth science) /dʒi:.ov.saɪənts/ noun	علوم مربوط به زمین شناسی (علوم زمین)
crust /krast/ noun	پوستهٔ کره زمین
continental crust /ˈkɑːn.təʰn.əntel -/ noun	پوستهٔ قارهای
oceanic crust /ˌoʊ.ʃiˈæn.ɪk -/ noun	پوستهٔ اقیانوسی
layer (stratum pl. strata) / lei.ə/ noun	لایه، ورقه، چینه (لایهٔ مشخصی از پوستهٔ زمین مانند لایهای از سنگهای رسوبی)
mantle /ˈmæn.t]/ noun	گوشتهٔ کره زمین، حد فاصل بین پوسته و هسته
core /kɔːr/ noun	هستهٔ کره زمین، درون
plate /pleɪt/ noun	ورقه یا صفحه
plate tectonics / pleit.tek 'ta:n.iks/ noun	نظریهٔ زمین ساخت صفحهای (یک تئوری که به بررسی حرکات وسیعمقیاس در ساختار
	پوستهٔ کره زمین (متشکل از چند صفحهٔ اصلی که در مواردی خود شامل تعداد صفحات
	کوچکتر میباشند) و پدیدههای مرتبط با برهم کنش میان صفحات متحرک میپردازد)

fault /fa:lt/ noun	ینه، گسله (شکستگیهایی با جابهجای <sub>کِ</sub> سنگهای طرفین صفحهٔ شکستگی نسبت به همدیگر)
disintegration (decomposition) / dis.in.tə grei. f an/ noun	عزیه (از هم گسیختگیِ لایهها یا صخرهها، ناشی از جریانهای جوی، سرمازدگی، انجماد و)
erosion /1ˈroʊ.ʒ ³n/ noun	علیل، فرسایش (فرآیند جابهجایی ذرات خاک توسط یک عامل انتقال دهنده مانند آب یا باد)
fossil /ˈfɑː.s əl/ noun	ىيل (سنگواره)
rock /ra:k/ noun	نگ، تخته سنگ یا صغره
sedimentary rock / sed.i men.t.a.i -/ noun	نگ رسوبی
metamorphic rock / met ə mə:r.fik -/ noun	نگ دگر گونی (سنگ اولیهای که با تغییر شکل اصلی خود به شکل جدید در آمده است)
quartz /ˈkwɔːrts/ noun	ارتز، سنگ چینی، الماس کوهی
limestone /ˈlaɪm.stoun/ noun	نگ آهک (نوعی سنگ رسوبی با منشأ شیمیایی، بهطور عمده متشکل از کلسیم کربنات)
marble /'maːr.bl/ noun	نگ مرمر (از نمونه سنگهای دگرگونی، از دگرگونی سنگ آهک)
granite /ˈgræn.ɪt/ noun	رانیت (از گونه سنگهای آذرین بیرونی، حاصل از انجماد مواد مذاب در خارج از آتشفشان)
magma / mæg.mə/ noun	میر مواد معدنی یا آلی (مواد مذاب بسیار گرم در زیر پوستهٔ زمین، تحت فشار شدید)
prospect /'pra:.spekt/ verb	تشاف، معدن کاوی کردن
soundings /ˈsaon.dɪŋz/ plural noun	نجشهایی مربوط به تعیین عمق آب (مانند عمق یک دریاچه)
mine /maɪn/ noun	ىدن، راه زيرزمينى
mineral /ˈmɪn. ər. əl/ noun	دهٔ معدنی (کانی)
ore /ɔːr/ noun	نگ معدن، سنگ حاوی فلز و عناصر ارزشمند و مهم
deposit /dɪˈpɑː.zɪt/ noun	، نشست
platinum / plæt.nəm/ noun	تین یا طلای سفید
copper /ˈkɑː.pə/ noun	ز مس
aluminum /əˈluː.mɪ.nəm/ noun	ز آلومینیوم
zinc /zɪŋk/ noun	ز روی
nickel /ˈnɪk.l/ noun	كل
mercury (quicksilver) /ˈmɜ·ː.kjʊ.ri/ noun	يماب، جيوه
gem /dʒem/ noun	وهر، جواهر، سنگ گرانبها
diamond /'daɪə.mənd/ noun	ماس
emerald / em.ə.rəld/ noun	رد سبز
ruby /ˈruː.bi/ noun	فوت سرخ، لعل
lacier /ˈgleɪ.si.ə/ noun	دهٔ یخ، رودخانه یخ، یخچال طبیعی
glacial /ˈgleɪ.si.əl/ adjective	فبندان
glacial epoch (age, period) /- 'i:.pa:k/ noun	رهٔ یخبندان
glacial drift /- drɪft/ noun	نش يخبندان
iceberg /'ais.b3-:g/ noun	دهٔ یخ غلتان، کوه یا تودهٔ یخ شناور
ice sheet /'ais.ʃiːt/ noun	صار (انبوهای از یخ حاصل از یخچال طبیعی، پوشیده شده در یک ناحیه)
<b>frigid</b> (refrigerated; freezing) / frid3.id/ adjective	وای خیلی سرد (سرد و انجماد)
thaw (melt) /θα:/ verb	ب شدن (ذوب شدن)
retreat /rɪˈtriːt/ verb	ں نشینی (پس رفت جنگل، ساحل، صخرہ و)
terminate (end) / ta-:.mi.neit/ verb	اتمه دادن
olcano /vɑːlˈkeɪ.noʊ/ noun	ه آتشفشان، آتشفشان
active volcano /ˈæk.tɪv -/ noun	شفشان فعال
extinct volcano /ikˈstiŋkt -/ noun	شفشان خاموش
eruption /1'rAp. f on/ noun	ران (انفجار)

	دهانهٔ آتشفشان، یک حفرهٔ (گودی یا چاله) بزرگ در روی سطح زمین یا یک سیاره مانند
crater / krei.t.g-/ noun	ماه، در اثر انفجار یا برخورد شهاب سنگ یا دیگر اجسام آسمانی
lava /ˈlɑː.və/ noun	گدازه، مواد مذاب آتشفشانی
scoria /ˈskoʊ.rɪə/ noun	تفالهٔ معدنی، کف
volcanic /vɑːlˈkæn.ɪk/ noun	آتشفشانی، انفجاری
earthquake (quake; tremor; seism) /ˈ϶:θ.kweik/ noun	زلزله (لرزه)
seismology /saɪzˈmɑː.lə.dʒi/ noun	زلزله شناسی
hypocenter (focus) / hai.pov. sen.t. / noun	کانون زلزله (مکانی دارای بیشترین انرژی و محل آغاز شکستگی صفحهٔ گسل)
wave (earthquake; seismic; shock) /weɪv/ noun	موج، لرزه (تكان)
cataclysm /ˈkæt.ə.klɪ.z əm/ noun	تحولات ناگهانی و عمده، سیل بزرگ، طوفان
4. E0	COLOGY
Word	Definition
ecological /ˌiː.kəˈlɑː.dʒɪ.k əl/ adjective	مربوط به بوم شناسی (در رابطه با ارتباط موجودات زنده با یکدیگر و محیط اطراف خود)
ecologist /ɪˈkɑː.lə.dʒɪst/ noun	بوم شناس
ecosystem /ˈiː.koʊˌsɪs.təm/ noun	اکوسیستم (یک جامعهٔ زیستی از موجودات زندهٔ در تعامل و محیط فیزیکی آنها)
balance (of nature) /'bæl. ants/ noun	توازن (مربوط به طبیعت)
ecosphere (biosphere) /i:.kov.sfir/ noun	زیست کره، بخش قابل زندگی کرهٔ زمین
ecocide /ˈiːkoʊ.sʌɪd/ noun	تخريب محيط طبيعي (بەويژه بەطور اتفاقي)
preservation / prez. oʻvei. ʃ on/ noun	حراست، نگهداری، حفظ (منابع طبیعی)
fauna /ˈfɑː.nə/ noun	مجموعه گونههای جانوری یک منطقهٔ جغرافیایی یا یک دورهٔ معین
flora /ˈflɔːr.ə/ noun	مجموعه گونههای گیاهی یک منطقهٔ جغرافیایی
rain forest /'rein.fo:r.ist/ noun	جنگلهای انبوه مناطق گرمسیری و پر باران
food chain /fu:d.tʃeɪn/ noun	زنجیرهٔ غذایی (حلقههای زنجیرهای وابستگی غذایی همهٔ موجودات زنده به یکدیگر)
environment /ɪnˈvaɪr.ən.mənt/ noun	محیط زیست، دور و بر
environmental /ɪnˌvaɪr.ənˈmen.tˌəl/ adjective	محیطی، مربوط به محیط زیست
environmentalist /ɪnˌvaɪr.ən 'men.t¸əl.ɪst/ noun	طرفدار حفظ منابع طبيعى
acid rain /ˈæs.ɪd.reɪn/ noun	باران اسیدی (ترکیب گرد و غبار اسیدی شامل اکسید گوگرد و اکسیدهای نیتروژن حاصل از سوزاندن سوختهای فسیلی با آب باران)
greenhouse effect /ˈgriːn.haʊs.ɪˈfekt/ noun	اثر گلخانهای (تأثیر مستقیم گازهای گلخانهای موجود در جوِ یک سیاره روی سطح آن، به عبارتی گرم شدن بیش از حد پر توهای موجود، با جذب تابش فروسرخ خورشیدی و دگرگونی آبوهوا)
ozone layer (ozonosphere) /əʊˈzəʊn.ˈleɪ.ə/ noun	لایهٔ اوزون (لایهٔ در برگیرندهٔ کره زمین و عامل تبدیل پرتوهای فرابنفش به پرتوهای فروسرخ)
ultraviolet radiation /ˌʌl.trəˈvaɪə.lət.ˌreɪ.diˈeɪ.∫ °n/ noun	اشعهٔ فرابنفش (موجی در گسترهٔ امواج الکترومغناطیسی با طول موجی کوتاهتر از نور مرئی، با کاربرد در ضدعفونی آب، تجهیزات پزشکی، لوازم صنعتی و)
<b>pollution</b> /pəˈluː.ʃ ən/ noun	آلودگی
pollution free /- fri:/ noun	بدون آلودگی
pollutant /pəˈluː.t¸ ºnt/ noun	آلاينده، آلوده كننده
noxious (toxic) /'na:k.ʃəs/ adjective	مضر، مهلک (سمی)
fumes /fju:mz/ noun	دود، بخار، گاز
waste /weist/ noun	دور ریختنی، اتلاف (زائد)
waste heat /weist.hi:t/ noun	گرمای زائد (ناشی از ماشین یا هر فرآیند دیگر مصرف کنندهٔ انرژی)
solid waste /ˈsaːː.lɪd -/ noun	پسماند یا مواد زائد جامد
sewage (waste water) / su:.idʒ/ noun	فاضلاب، پس آب
domestic sewage /dəˈmes.tɪk.ˈsuː.ɪdʒ/ noun	فاضلاب خانگی

sewage plant /ˈsuː.ɪdʒ.plænt/ noun	فاضلاب تأسيسات
abate (reduce) /əˈbeɪt/ verb	فروکش کردن، کاستن
abound /əˈbaund/ verb	وفور داشتن
air monitoring /er. 'ma:.nɪ.t əɪŋ/ noun	نظارت بر جریان هوا
alternative /ɑːlˈtɜ·ː.nə.tˌɪv/ adjective	متناوب (اسم: جایگزین)
atmosphere /ˈæt.mə.sfir/ noun	هوا، جو
carbon /ˈkɑːr ən/ noun	ذغال خالص، كربن
dioxide /darˈɑːk.saɪd/ noun	دی اکسید، دارای دو اکسید
coal /koʊl/ noun	زغال سنگ، زغال
coalification /koʊl.ɪf'ı.ˈkeɪ.∫ °n/ noun	فرآیند تبدیل بقایای گیاهان به زغال سنگ
deforest / di: fo:r.ist/ verb	جنگل زدایی
desertification /dɪˌzɜ∹.t̞ə.fɪˈkeɪ.∫ ³n/ noun	بیابان زایی
deteriorate /dɪˈtɪr.i.ə.reɪt/ verb	بدتر شدن، رو به زوال گذاشتن
disposal /dɪˈspoʊ.z əl/ noun	دفع، از بین بردن، دور انداختن
drought /draut/ noun	خشكى، خشكسالى
solar energy /ˈsoʊ.lə.ˈen.ə.dʒi/ noun	نرژی خورشیدی
tidal energy /ˈtaɪ.d əl.ˈen.ədʒi/ noun	انرژی جزر و مدی (عامل تبدیل انرژی حاصل از جذر و مد به اشکال مفید توان، بهویژه برق)
fuel-efficient /fjʊəl.ɪˈfɪʃ. ant/ adjective	کم مصرف (اتومبیل، موتور و)
flood /flad/ noun	سیل، طوفان
fossil fuel /ˈfɑː.s əl.fjʊəl/ noun	سوخت فسيلى
garbage /ˈgɑːr.bɪdʒ/ noun	فضولات، أشغال خاكروبه، زباله
gas /gæs/ noun	گاز، بخار (بنزین)
global warming /ˈgloʊ.b əl.ˈwəːr.mɪŋ/ noun	گرمایش زمین
clobal (warming) offset / cloveb all stfalst/ a and	اثر گرمایش جهانی (تغییرات زیست محیطی و اجتماعی که (بهطور مستقیم یا غیرمستقیم)
global (warming) effect /ˈgloʊ.b al.ıˈfekt/ noun	توسط فعالیتهای انسانی و انتشار گازهای گلخانهای ایجاد میشود)
<mark>litter/trash garbage</mark> /ˈlɪtၞခ/træʃ -/ <i>noun</i>	زباله/ خاكروبه
long-term climatic change /ˌlɑːŋˈtɜ·:m.klaɪˈmætˌɪk.tʃeɪndʒ/ phrase	تغييرات اقليمى بلند مدت
melt /melt/ verb	ذوب شدن
noise pollution /nɔiz.pəˈluː.ʃ ºn/ noun	آلودگی صوتی
non-renewable / na:n.rɪˈnu:.ə.bl/ adjective	غير قابل احياء
purify /'pjori.fai/ verb	پالایش کردن، خالصسازی
recycle /ˌriːˈsaɪ.kl/ verb	بازيافت
<mark>rush hour</mark> /rʌʃ.aʊr/ <i>noun</i>	ساعت شلوغی (زمان اوج ترافیک روزانه)
soil pollution /soɪl.pəˈluː.ʃ ºn/ noun	آلودگی خاک
traffic jam /ˈtræf.ɪk.dʒæm / noun	راه بندان
trash bag /træʃ.bæg/ noun	كيسه زباله
upper atmosphere /ˈʌp.ə.ˈæt.mə.sfir/ noun	تمسفر بالا (مرز بین فضا و اتمسفر یا جو زمین)
water pollution /ˈwaː.t.əpəˈluː.ʃən/ noun	آلودگی آب (عدم خلوص، ناپاکی)
water shortage /ˈwɑː.t.ʊ.ˈʃɔːr.t.j.dʒ/ noun	كمبود آب
wildness / waild.nes/ noun	طبیعی و دست نخورده
wilderness / wil.do-nos/ noun	بیابان، سرزمین نامسکون و رام نشده
zero emission /ˈzɪr.oʊ.ɪˈmɪʃ. ən/ adjective	فاقد آلایندگی

5. BIOLOGY	
Word	Definition
evolution / ev.əˈluː.ʃ ən/ noun	فرضیهٔ سیر تکامل، تکامل تدریجی، تحول
Darwinism / dar.və nizəm/ noun	پیرو اصول و مکتب داروین، فرضیهٔ تکامل تدریجی داروین
specimen /ˈspes.ə.mɪn/ noun	مدل، نمونه اَزمایش
natural selection /ˈnætʃ.ə. əl.sɪˈlek.ʃ ən/ noun	فلسفهٔ انتخاب اصلح در طبیعت (فرآیند سازگاری، میل به بقاء و حیات طولانی تر)
biological vacuum / ˈbaɪ.əˈlɑː.dʒɪ.k əl.ˈvæk.juːm/ noun	خلاء زیستی
survival /səˈvaɪ.v əl/ noun	بقاء
obstruct (block) /əbˈstrʌkt/ verb	مانع شدن، از رشد باز داشتن
reverse /ni v3:s/ adjective	وارونگی (فرضیهٔ جهتگیری مخالفِ تکامل ساختارهای حیوانات از قالب اجدادی)
algae /ˈæl.giː/ plural noun	جلبک، خزهٔ دریایی
invertebrate /ɪnˈvɜː.tˌə.brət/ noun	بىمهرە، فاقد ستون فقرات
aquatic (life) /əˈkwæt¸ık/ adjective	وابسته به آب، آبزیان
reptile /ˈrep.taɪl/ noun	خزنده، حیوان خزنده
amphibian (amphibious animal) /æm' fib.i.ən/ adjective	دوزیستان (حیوان دوزیست)
dinosaur /ˈdaɪ.nə.sɔːr/ noun	دایناسور (دستهای از سوسماران دورهٔ تریاسیک)
bird /bs:d/ noun	پرنده، مرغ، جوجه
<b>extinction</b> /ɪkˈstɪŋk.ʃ ən/ noun	انقراض
mammal /ˈmæm. əl/ noun	پستاندار
primate /'prai.mət/ noun	راستهٔ پستانداران نخستین پایه، نخستیها (مانند میمون، بوزینه و)
class /klæs/ noun	کلاس، طبقه، رده (یک مجموعه یا دستهای از چیزهایی دارای ویژگی خاص یا مشترک)
	راسته، دسته، زیررده (چیدمان افراد یا چیزهایی در رابطه با یکدیگر، با توجه به یک دنباله،
order/'orr.do/ noun	الگو یا روش خاص (مانند ردهٔ حیوانات بر پایهٔ مکان، شامل زیرردههای خزندگان بر پایهٔ
	موقعیت، پرندگان بر پایهٔ مکان و))
Family // Comp 21 : /	خانواده، زیردسته (مانند دستهٔ پرندگان بر پایهٔ مکان، شامل زیردستههای پرندگان اقیانوسیه،
family /ˈfæm.³l.i/ noun	پرندگان قطب شمال، پرندگان مهاجر (نیم کرهٔ شرقی) و)
~~~~ /' J /	سرده، قسم (مانند زیر دستههای پرندگان اقیانوسیه، شامل سردههای پرندگان اقیانوس آرام،
genus / ˈdʒiː.nəs/ noun	پرندگان جزایر سلیمان و)
anadica l'ani: Gral Maria de Carlos	گونهها، انواع (مانند زیر دستههای پرندگان جزایر سلیمان، شامل گونههای مینای دمدراز،
species /ˈspiː.ʃiːz/ plural noun (class→order→family→genus→species)	طوطی کاکلی سلیمان، طاووسک و)
suborder /səˈbɔːr.də/ noun	زير دسته
camouflage /ˈkæm.ə.flɑːʒ/ noun	استتار، پوشش
hibernate / haɪ.bə.neɪt/ verb	به خواب زمستانی رفتن (مربوط به گیاهان و جانوران)
lizard /ˈlɪz.əd/ noun	مارمولک، سوسمار
chameleon /kəˈmiː.li.ən/ noun	حرباء، سوسمار کوچک، آفتاب پرست
regeneration /rɪˌdʒen.əˈeɪ.ʃ ən/ noun	باززایی، احیاء، ترمیم یک بافت به صورت طبیعی
turtle /ˈtɜ·ttl/ noun	لاک پشت (کبوتر قمری)
predator / pred.ə.t.ə/ noun	شکارچی، درنده
rodent /'rov.d ant/ noun	جانورِ جونده (مانند موش)
plankton / plæŋk.tən/ noun	موجودات ریز شناور بر سطح دریاها، اقیانوسها یا آب شیرین (مانند جلبکها)
shrimp /ʃrɪmp/ noun	میگو (ملخ)
prawn /praːn/ noun (UK)	میگو، جنس میگو
lobster /ˈlɑːb.stə/ noun	(گوشت) خرچنگ دریایی
	I

crab /kræb/ noun	خرچنگ
clam /klæm/ noun	گوشت صدف، حلزون دوکپهای یا صدف خوراکی
coral /ˈkɔːr.əl/ noun	مرجان
canary /kəˈner.i/ noun	قناری (رنگ زرد روشن)
chirp /tʃ3:p/ verb	جیرجیر کردن، جیکجیک کردن
<b>sloth</b> (slothful) /sloυθ/ noun	نوعی حیوان پستان دار منطقهٔ استوایی آمریکا که به آرامی حرکت میکند (تنبل، سست)
moth /ma:θ/ noun	بیدها، گروهی از حشرات مرتبط با پروانه (مانند شاهپرک)، حشرات موذی
caterpillar /ˈkæt¸ə.pɪl.ə/ noun	کرم پیلهساز، کرم صدپا
swarm (horde) /swɔːrm/ noun	دستهٔ زیاد، انبوهه (گروه زنبوران)
<mark>flock</mark> /fla:k/ <i>noun</i>	رمه، گله، دستهٔ پرندگان
herd /hɔ:d/ noun	گلهٔ چهار پایان (بهخصوص سمداران)
community (bunch) /kəˈmjuː.nə.t.j/ noun	دسته، اجتماع (خوشه)
trapper / træp.o/ noun	شکارچی تله گذار
fertilizer /ˈfɜ·ː.təl.aɪ.zər / noun	آبستن كننده
oyster /ˈɔɪ.stə/ noun	صدف خوراکی
tentacle /ˈtən.tə.kl/ noun	مو یا شاخک حساس جانور (مانند شاخک ماهی یا موی سبیل گربه)
homeotherm /ˈhəʊ.mi.oʊˌθɜːm/ noun	جانورخون گرم
metabolism /məˈtæb. əl.i.z əm/ noun	سوخت و ساز (مجموعهای از تحولات شیمیایی در ترکیب موجود زنده برای حفظ حیات)
breed /bri:d/ verb	بار آوردن، پروردن، تولیدکردن
multiply (reproduce; hatch) / mal.t j.plai/ verb	زاد و ولدکردن (تکثیرکردن، جوجهگیری)
spawn /spa:n/ noun	تخم ماهی (بذر)
anatomy /əˈnæt¸ə.mi/ noun	ساختمان، استخوان بندی
appetite /ˈæp.ɪ.taɪt/ noun	اشتها، میل و رغبت ذاتی
inflection /ɪnˈflek.∫ ³n/ noun	انحناء، خمیدگی (بهسوی درون)
creature /ˈkriː.tʃə/ noun	مخلوق، جانور
herbivorous /hɔːˈbɪv.ə.əs/ adjective	گیاه خواری
carnivorous /ka:r'niv.ə.əs/ adjective	گوشتخوار
omnivorous /q:m'nɪv.ə.əs/ adjective	همه چیزخوار
sect / in.sekt/ noun	حشره
antenna /æn'ten.ə/ noun (plural antennae or antennas)	آنتن، شاخک
compound eye /ˈkɑːm.paund.aɪ/ noun	چشم مرکب از چندین عدسی (مانند چشم حشرات)
wing /wiŋ/ noun	بال، شاخه
larva /ˈlɑːr.və/ noun (plural larvae)	لارو، کرم، کرم حشره
beneficial / ben.ɪˈfɪʃ. əl/ adjective	سودمند، مفید
pest /pest/ noun	مایهٔ آزار و آسیب، آفت (موجودات زندهٔ مضر برای کشاورزی)
pesticide /'pes.t.p.saɪd/ noun	آفت کش، مادهٔ ضد افت
worm /ws-:m/ noun	۔ کرم، خزندہ
parasite /'per.ə.saɪt/ noun	ت. انگل (موجودات تغذیه کننده از موجوده زندهٔ دیگر، حداقل در بخشی از زندگی خود)
east /bi:st/ noun	چهار پا، حیوان، جانور
domesticate /dəˈmes.tɪ.keɪt/ verb	هلی کردن، رام کردن
predatory (carnivorous) / pred.ə.tɔ:r.i/ adjective	شکار گر، درنده (حیوان گوشتخوار)
prey /prei/ noun	شکار، صید، طعمه
migrate /mai great/ verb	مهاجرت کردن، کوچ کردن

bill /bɪl/ noun	نوک، منقار
beak /biːk/ noun	منقار، پوزه، نوک
<b>nest</b> (nestle) /nest/ noun	لانه، آشیانه (آشیان گرفتن)
flock to habitat /fla:k.tu.'hæb.1.tæt/ phrase	بهصورت گله در آمدن در بوم
molt /molt/ verb	پوست اندازی، پر و یا موی ریختن
dolphin /'da:l.fin/ noun	دلفین، گراز دریایی
whale /weil/ noun	نهنگ، وال (عظیم الجثه)
bat /bæt/ noun	خفاش، شب پره
echolocation /ˈek.oʊloˈkeɪ,ʃ ən/ noun	پژواکیابی جانوران (مانند خفاش و وال)، جهتیابی از راه ارسال صدا و سنجش پژواک آن
anthropoid ape /ˈænt.θrə.pɔɪd.eɪp/ adjective	میمونهای شبه انسان و بدون دم
gorilla /gəˈrɪl.ə/ noun	گوریل، بزرگ ترین میمون شبیه انسان
chimpanzee / tʃim.pæn'zi:/ noun	شامپانزه، میمون آدموار
<b>baboon</b> /bəˈbuːn/ <i>noun</i>	یک نوع میمون یا عنتر دم کوتاه
primitive (men) / prim.i.t.jv/ adjective	بدوي، اوليه (انسان نخستين)
civilized (men) /'sɪv.ɪ.laɪzd/ adjective	دارای تمدن (انسان متمدن)
diversity /dɪˈvɜː.sə.t.j/ noun	تنوع، گوناگونی
gregarious (social) /grɪˈger.i.əs/ adjective	خوشه خوشه، گروهی، دستهای، گلهای
habitat /ˈhæb.ɪ.tæt/ noun	بوم، محل سکونت، منطقه زیست جانور یا گیاهی
reproduce / ri:.prəˈduːs/ verb	زاد و ولد کردن، تکثیر کردن، دوباره ساختن
offspring (young) /'a:f.sprin/ noun	فرزند، زاده، مبدأ، منشا
botany /'ba:.t¸°n.i/ noun	گیاه شناسی، کتاب گیاه شناسی، زندگی گیاهی یک ناحیه
botanist /'ba:.t¸ an.ist/ noun	گیاه شناس
botanical (botanic) /bəˈtæn.ɪ.k əl/ adjective	وابسته به گیاه شناسی، ترکیب یا مشتقی از مواد گیاهی
plant /plænt/ noun	گیاه، نهال
alpine plant /ˈæl.paɪn -/ noun	گياه آلپي (واقع در ارتفاع زياد)
marsh plant /ma:rʃ -/ noun	گیاه مردابی (جنگلی)
host plant /houst -/ noun	گیاه میزبان (انگل دار)
root /ru:t/ noun	ريشه
stem /stem/ noun	ساقه، ريشه
stalk /staːk/ noun	ساقه (گیاهان علفی)
sprout (shoot) /spraut/ noun	جوانه، شاخه
flower / flav.ə/ noun	گل، شكوفه
bud (blossom) /bʌd/ noun	جوانه، غنچه (شکوفه)
petal /'pet, °l/ noun	گلبر گ
fade (wilt) /feɪd/ verb	کمرنگ شدن، پژمردن، خشک شدن
flesh (pulp) /fleʃ/ noun	گوشت، گوشت یا مغز میوه (مغز ساقه)
stone /stoun/ noun	سنگ میوه (هسته)
core /kɔːr/ noun	مغز یا درون، هسته
kernel /ˈkɜː.n əl/ noun	مغز هسته، دانه (مانند آجيل)
<b>peel</b> (skin) /pi:l/ noun	پوست
shell /ʃel/ noun	پوست، صدف حلزون، كاسه يا لاك محافظ جانور (مانند كاسهٔ لاك پشت)
trunk /trʌŋk/ noun	تنه، بدنه، کندهٔ درخت
branch /bræntʃ/ noun	شاخه، رشته

bough /baʊ/ noun	تنهٔ درخت (ترکه)
twig /twig/ noun	ترکه، شاخهٔ کوچک
bark /ba:rk/ noun	پوست درخت، پارس سگ
jungle /ˈdʒʌŋ.gl/ noun	جنگل
lawn /la:n/ noun	علفزار، مرغزار
meadow / med.ou/ noun	چمنزار، علفزار، مرغزار
prairie /ˈprer.i/ noun	چمنزار، مرغزار
shrub (bush) /ʃrʌb/ noun	درختچه، گلبن، بوته
cluster /ˈklʌs.tə/ noun	خوشه، دسته، گروه
fern /fɔ:n/ noun	سرخس (یک گیاه پهن برگ بدون گل، دارای یک سیستم عروقی برای انتقال آب و مواد مغذی)
herb /3:b/ noun	شاخ و برگ گیاهان، گیاه دارویی، علف، رستنی
herbal tea (tisane) /'h'3:.b ol.ti:/ noun	جوشاندهٔ گیاهی
photosynthesis / foυ.toυ sınt.θə.sıs/ noun	سنتز نوری (فرآیند تبدیل انرژی نور خورشید به انرژی ذخیره شده در مواد غذایی گیاهان)
symbiosis / sim.bai ou.sis/ noun	همزیستی (تعامل دو موجود یا گروه مختلف با هم)
nicrobiology / maɪ.kroʊ.baɪˈɑː.lə.dʒi/ noun	میکروب شناسی
bacterium /bækˈtɪr.i.əm/ noun (plural bacteria)	آلوده به میکرب
on Trans I'm Tornel a our	یک نوع مادهٔ آلی (گونهای از ماده و ترکیب شیمیاییِ (جامد-مایع-گاز) دارای کربن در
enzyme / en.zaim/ noun	مولکولهای خود)، در موجود زنده (عامل تقویت یا تضعیف یک فرآیند شیمیایی)
fermentation / f₃:.men'teɪ.∫ ³n/ noun	تخمير (تجزيهٔ شيميايي يک ماده (تبديل قند به اسيد يا الكل) توسط باكترىها، مخمرها و)
microbe /ˈmaɪ.kroʊb/ noun	میکروب (ریزاندامگانی شامل باکتریها، ویروسها، آغازیان و برخی قارچها)
toxin /ˈtɑːk.sɪn/ noun	تر کیب زهردار، داروی سمی
virus /ˈvaɪ.rəs/ noun	ويروس (عامل نقل و انتقال امراض)
amino acid /əˌmiː.noʊˈ.æs.ɪd/ noun	اسید آمینه (یک ترکیب آلی ساده، بهعنوان واحد تشکیل دهندهٔ پروتئین)
carbohydrate / ka:r.bəo hai.dreit/ noun	کربوهیدرات (نوعی از ترکیبات آلی (مانند قند و نشاسته) که در بدن ایجاد انرژی میکنند)
carbon dioxide /ˈkɑːr.b ən.daɪˈɑːk.saɪd/ noun	دی اکسید کربن (گاز بی رنگ و بی بو حاصل از سوختن کربن و ترکیبات آلی، که توسط
carbon dioxide / kd.1.0 ii.dai d.k.said/ noun	گیاهان در فرآیند فتوسنتز جذب میشود)
organism /ˈɔːr.g ən.i.z əm/ noun	اندامگان، موجود زنده، ترکیب موجود زنده
oxidation /ˌɑːk.sɪ.deɪ.∫ °n/ noun	عمل ترکیب اکسیژن با جسم دیگری
protoin /'prox ti'n/ nous	پروتئین (هر یک از کلاسهای ترکیبات آلی نیتروژنی بهعنوان اجزای سازندهٔ بافتهای بدن
protein / prov.ti:n/ noun	(مانند عضله، مو و))
6.	SOCIOLOGY

Word	Definition
interrelationship /ˌɪn.tˌɔ-rɪˈleɪ.ʃ ən.ʃɪp/ noun	رابطهٔ متقابل، روابط بین الملل
civilization / siv. əl.ar zei. f ən/ noun	تمدن، انسانیت، فرهنگ
civilized /ˈsɪv.ɪ.laɪzd/ adjective	متمدن
brute-like /bruːt.laɪk/ adjective	حيوان صفت، بىرحم
community /kəˈmjuː.nə.t.j/ noun	جامعه، اجتماع، انجمن
organization (association) / o:r.g on.ar zer.f on/ noun	سازمان، تشكيلات (انجمن)
institution /ˌɪnt.stɪˈtu:.∫ ³n/ noun	مؤسسه، نهاد
settlement / set_l, mant/ noun	توافق، زیست گاه
custom /ˈkʌs.təm/ noun	رسم، سنت، عرف
indigenous /ɪnˈdɪdʒ.ɪ.nəs/ adjective	بومی (طبیعی، فطری)
administration /əd min.i'strei. f an/ noun	مدیریت، حکومت، ادارهٔ کل (تقسیمات جزء وزارتخانهها در شهرها)

predecessor / pred.ə.ses.ə/ noun	سابق، قبلی (جد)
monarchy /ˈmɑː.nə·.ki/ noun	سلطنت مطلقه، رژیم سلطنتی
abhorrence /æb'hɔːr. ³nts/ noun	فرت، بیزاری
empire / em.pair/ noun	مپراطوری، فرمانروایی
federal system /ˈfed.ə. əl.ˈsɪs.təm/ adjective	سيستم فدرال (ائتلافي، اتحادي)
presidential system / prez.ı'den.tʃ °l.'sıs.təm/ adjective	سیستم ریاست جمهوری
Congress /ˈkɑːŋ.gres/ noun	همایش یا کنگره (گونهای از گردهمآییِ مجمعی از سران دولت، نمایندگان ممالک یا دانشمندان در راستای بحث و گفتگو در مورد مسائل سیاسی، اقتصادی، علمی و)
House the senate /haus.ðəˈsen.ət/ noun	مجلس سنا (نوعی مجلس قانون گذاری متشکل از اشراف، اشخاص باتجربه و سالخورده)
House of Representatives /haus.a.v.,rep.ri'zen.t.g.t.j.v/ noun	مجلس نمایندگان
demography /dɪˈmɑː.grə.fi/ noun	امار نگاری
demographer /dɪˈmɑː.grə.fə/ noun	متخصص آمار نگاری
ethnic (racial) /'e0.nɪk/ adjective	نومی (نژادی)
poll /poʊl/ noun	اًی گیری، نظرسنجی، تعداد آراء اخذ شده (اغلب بهصورت جمع)، فهرست نامزدهای انتخاباتی
pollster /ˈpoʊl.stə/ noun	اظر انتخابات، متصدی اخذ رأی، تحلیل گر نظرسنجی
questionnaire / kwes.tʃəˈner/ noun	یر سش نامه
respondent /rɪˈspɑːn.d ənt/ noun	باسخ دهنده (در موقعیت متهم)، موافق
census /'sent.səs/ noun	سرشماری، آمار
etiquette /ˈetˌ.ɪ.kət/ noun	داب معاشرت، رسوم
netiquette /'ne.ti.ket/ noun	اداب معاشرت اینترنتی
protocol /ˈproʊ.t.ə.kɑːl/ noun	موافقت مقدماتی، تشریفات، پیشنویس سند
courtesy /ˈkə:.tə.si/ noun	دب و مهربانی، تواضع، مردمی
manners (conduct) / mæn.ə-s/ noun	فتار، طریقه، تربیت
office manners /ˈɑː.fɪs -/ noun	ر سوم اداری
solitude (isolation) /ˈsɑː.lə.tuːd/ noun	ننهایی، انفراد، خلوت (انزوا)
companion /kəmˈpæn.jən/ noun	همراه و همدم، همِنشين
sociable /ˈsoʊ, ʃə.bl / adjective	جتماعی، جامعه پذیر، دوستانه
ethics (morality) / eθ.iks/ noun	
observe (abide by) /əbˈzɜːv/ verb	عرب عربی میدن رو عربی) مراعات کردن (فرمان برداری)
violate (breach) /'vaiə.leit/ verb	قض کردن، هتک حرمت کردن (نقض عهد)
wealth /welθ/ noun	نتون، دارایی، سرمایه نروت، دارایی، سرمایه
affluent (rich; wealthy) / æf.lu.ənt/ adjective	نروت مند (دارا، توان گر)
poverty / pa:.vo.t.i/ noun	روست رمار، وان عرب ننگدستی، فقر، کمیابی
inequality / m.r'kwa:.lə.t.j/ noun	ست سنی، صر، حمیبی ابرابری (در جامعه شناسی شامل پنج دستهٔ آموزشی، جنسیتی، مشارکتی، نژادی و اجتماعی)
discontent / dis.kən'tent/ noun	بربری زیر حامت سیسی سیس پیج ناسته امورسی، جنسیتی، مسار نبی، ترادی و اجتماعی) ارضایتی، شکایت
libel /ˈlaɪ.b əl/ noun	ارضایتی، سحایت انهمان افترا، توهین
rebellion /rɪˈbel.i.ən/ noun	
	سرکشی، شورش، تمرد
conflict (clash) /'ka:n.flikt/ noun	ستیزه، ناسازگاری (برخورد)
collide (crash) /kəˈlaɪd/ verb	ههم خوردن (درهم شکستن)
discord (disagreement) / dis.ko:rd/ noun	فاق، اختلاف نظر، ناسازگاری
harmony /ˈhɑːr.mə.ni/ noun stability /stəˈbɪl.ə.ti/ noun	هم سازی، هماهنگی، توازن ثبات، پایداری

7. TRAFFIC/COMMUNICATION		
Word	Definition	
traffic congestion (jam) / 'træf.ɪk.kən'dʒes.tʃ °n/ noun	انسداد یا تراکم عبور و مرور، راهبندان، ترافیک	
transport / træn.spo:rt/ noun	حمل و نقل، ترابری، وسیلهٔ نقلیه	
transportation / træn.spæ tei. ʃ an/ noun	ترابری، حمل و نقل	
vehicle /ˈviː.ɪ.kl/ noun	وسيلة نقليه، حامل	
prototype / prov.t.j.taip/ noun	نمونهٔ اولیه، مدل پیش الگو	
wagon (carriage) / wæg.ən/ noun	واگن، ارابه، بار کش (کالسکه)	
vessel /'ves. <sup>a</sup> l/ noun	کشتی، مجرا	
automobile (auto; car) / atə.mov.bi:l/ noun	خودرو	
van /væn/ noun	ون، کامیون سر بسته	
motorcycle /ˈmoʊ.t.ə-ˌsaɪ.kl/ noun	موتورسيكلت	
bicycle (bike) / bai.si.kl / noun	دوچرخه	
gear /gɪr/ noun	دنده، چرخ دنده	
engine /'en.dʒɪn/ noun	موتور (یک ماشین طراحی شده برای تبدیل یک نوع انرژی به انرژی مکانیکی)	
cylinder /ˈsɪl.ɪn.də/ noun	سیلندر (فضایی استوانهای برای حرکت پیستون، مورد نیاز در هر موتور، پمپ و)	
<b>piston</b> /'pis.t <sup>a</sup> n/ noun	پیستون (بخش متحرک داخل سیلندر)	
brake /breik/ noun	ترمز	
exhaust /ɪgˈzɑːst/ noun	اگزوز، خروج (بخار)	
emission (emit) /ɪˈmɪʃ. ³n/ noun	خروج یا دفع مایعات (انتشار گاز، دود، نور و)	
fumes /fju:mz/ plural noun	دود، بخار، گاز	
assemble /əˈsem.bl/ verb	سرهم سازی، مونتاژ	
service (maintenance) /'s3:.vis/ noun	سرویس (تعمیر و نگهداری)	
mechanic /məˈkæn.ɪk/ noun	مکانیک	
garage /gəˈrɑːʒ/ noun	گاراژ (مکانی سرپوشیده یا دربسته برای پارک خودرو، موتورسیکلت و یا دیگر وسائط نقلیه)	
license /ˈlaɪ.s ənts/ verb	مجوز، گواهینامه	
parking /ˈpɑːr.kɪŋ/ noun	پارکینگ (فضای باز یا بسته جهت توقف خودرو با دسترسی بهطور خصوصی یا عمومی)	
parking lot /'pa:r.kiŋ.la:t / noun	توقفگاه بیسقف (برای توقف وسائط نقلیه)	
parking garage /ˈpɑːr.kɪŋ.lɑːt gəˈrɑːʒ/ noun	ساختمانِ مخصوص نگهداری موقت وسائط نقلیه	
highway / haɪ.weɪ/ noun	بزر گراه	
ramp /ræmp/ noun	سطح شیبدار، دست انداز، پیچ (پلکان)	
toll /toul/ noun	عوارض بزرگراه، ضایعه، تلفات	
driveway /'draiv.wei/ noun	جادهٔ اختصاصی (نوعی جادهٔ خصوصی برای دسترسی محلی به یک یا گروه کوچکی از سازهها)	
interchange / in.t.ə-'tʃemdʒ/ noun	نقطهٔ اتصال مسیرها (جهت کاهش بار ترافیکی با انتقال آن به مسیرهای جانبی)	
lane /leɪn/ noun	مسیر، خط سیر (دریایی، هوایی و)	
avenue (thoroughfare) / 'æv.ə.nu:/ noun	خیابان، راه عبور (شاهراه)	
boulevard /'bol.ə.va:rd/ noun	خیابان پهنی که در اطراف آن درخت باشد، بولوارد	
pedestrian /pəˈdes.tri.ən/ noun	عابر پیاده، پیاده رو	
passerby / pæs.ə ˈbaɪ/ noun	عابر، رهگذر از یک مسیر (مخصوصاً بهطور اتفاقی)	
passenger /ˈpæs. ən.dʒə/ noun	مسافر، عابر	
crosswalk /ˈkrɑːs.wɑːk/ noun	خط عابر پیادہ	
sidewalk /ˈsaɪd.wɑːk/ noun	پیاده رو	

subterranean (underground) / sʌb.təˈreɪ.ni.ən/ adjective	زیر زمینی
overpass / ou.və.pæs/ noun	پل هوایی
railroad / reil.roud / noun	اه آهن
track /træk/ noun	سیر، باریک راه، جاده مال رو (خاکی)
platform / plæt.fo:rm/ noun	سکوی انتظار مسافر
locomotive / ˌloʊ.kəˈmoʊ.tjv/ noun	یتحرک، نیروی محرکه، لوکوموتیو
railroad switch /ˈreɪl.roud.switʃ/ noun	ک نصب مکانیکی که امکان جابه جایی خطوط راه آهن جهت تغییر مسیر قطار را فراهم می کند
car /kɑːr/ noun	تاق راه آهن، واگن، اتومبیل
commuter /kəˈmjuː.tə/ noun	مسافر (بهخصوص در یک مسیر مشخص و بهطور منظم)
haul /hɑːl/ noun	همهٔ ماهیهای صید شده در یک وهله، حمل و نقل (سفر اغلب دشوار)
freight /freit/ noun	ارِ (کشتی، هواپیما و)، باربری، کرایه
container /kənˈteɪ.nə-/ noun	تاقک مخصوص حمل بار در کامیون، کشتی و
subway /ˈsʌb.weɪ/ noun	اه زیر زمینی، مترو
waterway /ˈwɑː.tə.weɪ/ noun	براه، مسیر آبی
raft /ræft/ noun	نايق مسطح الوارى
canoe /kəˈnuː/ noun	نایق باریک و بدون بادبان
cargo /ˈkɑːr.goʊ/ noun	حمولهٔ دریایی، بار
barge /ba:rd3/ noun	ایق باری، دوبه، کرجی
steamboat /'sti:m.boot/ noun	ایق یا کشتی بخار
ocean liner /ˈoʊ.∫ ³n.ˈlaɪ.nə/ noun	نشتی مسافری (با امکانات زیاد و مخصوص سفرهای طولانی)
submarine /ˌsʌb.məˈriːn/ noun	یر دریایی
ferry (also ferry boat) /' fer.i/ noun	کشتی مسافربری یا حمل بار (بهویژه در فاصلهٔ نسبتاً کوتاه و بهصورت منظم)
paddle / pæd.1/ verb	بارو زدن، دست و پا زدن
row /rou/ noun	ردیف، راسته، قطار (فعل: پارو زدن، راندن)
steer /stir/ verb	اندن، هدایت کردن
bow (prow) /bau/ noun	مرشهٔ کشتی
stern /sta:n/ adjective	ء عقب کشتی
deck /dek/ noun	عرشهٔ کشتی
on board (aboard) /a:n. 'bo:rd/ adverb, preposition	۔ سوار بودن، روی یا داخل (کشتی، هواپیما یا وسیلهٔ نقلیه)
navigate /ˈnæv.ɪ.geɪt/ verb	کشتی رانی کردن، هدایت کردن (کشتی، هواپیما و)
log /la:g/ noun	سرعت سنج کشتی، گزارش سفرنامه (کشتی، هواپیما و)
hirplane (aircraft) / er.plem/ noun	عواپيما
airliner /'er lai.no/ noun	هواپیمای مسافر بر ی
supersonic / su:.po 'sa:.nik/ adjective	سرعت مافوق صوت
jet /dʒet/ noun	ر جت، هواپیمای دارای موتور جت (دارای قدرت پیش <sub>ر</sub> انش بالا)
runway /ˈrʌn.weɪ/ noun	اند فرودگاه
pilot /ˈpaɪ.lət/ noun	خلبان هواییما، رانندهٔ کشتی، چراغ راهنما
crew /kru:/ noun	خدمهٔ کشتی، کارکنان هواپیما و
helicopter / hel.ı,ka:p.tə-/ noun	هلی کوپتر
vertical /'vs:.t.p.k °l/ adjective	عمودی
rotor / rou.t.g/ noun	نسمت چرخان ماشین (بهخصوص جهت چرخش تیغههای هلی کوپتر)
hover / ha:.vo/ verb	قسمت چرخان ماسین ربه حصوص جهت چرخش نیفه شای هی توپیر) شناور و معلق بودن
rescue / 'res.kju:/ noun	ساور و معنق بودن نجات، رهایی

inaccessible / in.əkˈses.ɪ.bl/ adjective	فارج از دسترس
compass / kam.pəs/ noun	طب نما (محدودهٔ خاصی از توانایی، فعالیت، علاقه و) 
aeronautical /ˌer.əˈnɑː.t.j.k əl/ adjective	رتبط به دانش هوانوردی
aviation noun / el.vi'el.∫°n/ noun	<i>ب</i> واپیمایی، هوانور دی
communication /kəˌmju:.nɪˈkeɪ.∫ °n/ noun	ر تباط، مكاتبه، مخابرات
telecommunications / tel.ɪ.kə mju:.nɪˈkeɪ.ʃənz/ noun	رتباط از راه دور (مخابراتی)
gesture /ˈdʒes.tʃə/ noun	شاره، حرکت
printing /'prɪn.tˌɪŋ/ noun	چاپ
postal /ˈpoʊ.st əl/ adjective	ستى، وابسته به پستخانه
postage /ˈpoʊ.stɪdʒ/ noun	حمل بهوسیله پست، حق پستی، تمبر پستی
telegraph / tel.ə.gra:f/ noun	لگراف، دستگاه تلگراف، دور نگار
code /koud/ noun	مز
decode /di:ˈkoʊd/ <i>verb</i>	ِمز گشایی
transmitter /træns' mɪt¸ə/ noun	رستنده، مخابره کننده
cable /ˈkeɪ.bl/ noun	کابلی، کابل، نوار فلزی
telephone (phone) / tel.ə.foun/ noun	لفن (آوا، صوت)
telephone exchange /ˈtel.ə.foʊn.ɪksˈtʃeɪndʒ/ noun	لفن خانه
handset /'hænd.set/ noun	ستگاه فرستنده و گیرنده (شامل گوشی و دهانی)
dial /ˈdaɪ.əl/ verb	نماره گیری
operator /ˈaː.pə.reɪ.t <i>ə/ noun</i>	ىتصدى، گرداننده، اپراتور
phonograph /ˈfoʊ.noʊ.græf/ noun	سدا نگار، دستگاه ضبط صوت
digital /ˈdɪdʒ.ɪ.t¸əl/ adjective	یجیتال، رقمی
videotape /'vɪd.i.ou.teɪp/ noun	وار فیلمبرداری
telex / tel.eks/ noun	له تایپ، دور نویس تلفنی
fax /fæks/ noun	ىدارک جابهجا شده از طریق خطوط تلفن بهصورت آنالوگ، فکس (دستگاه فکس)
radio /ˈreɪ.di.oʊ/ noun	اديو
portability / pɔ:r.təˈbɪl.ə.t j/ noun	ابلیت حمل و نقل یا ترابری
broadcasting /ˈbrɑːd.kæstɪŋ/ noun	خش از رادیو و تلویزیون
frequency /ˈfriː.kwənt.si/ noun	ر کانس، بسامد، تناوب
entertainment /en.t.o 'teɪn.mənt/ noun	سر گرمی
talk show /ta:k.fov/ noun	رنامهٔ رادیو تلویزیونی که بهصورت گفت گو از میهمان برنامه سوالهایی میشود و یا گروهی ز شنوندگان، بینندهها و یا مخاطبین استودیو موضوعات مختلفی را مورد بحث قرار میدهند
walkie-talkie / wa:.ki'ta:.ki/ noun	،ستگاه مخابره یا رادیوی ترانزیستوری کوچک
remote control /rɪˈmoʊt.kənˈtroʊl/ noun	کنترل از راه دور
studio /ˈstuː.di.oʊ/ noun	ناق کار، کارگاه هنری، استودیو
soundproof /'saund.pru:f/ adjective	ايق صدا
control panel /kənˈtroʊl.ˈpæn. əl/ noun	- اہلوی کنترل، صفحه کنترل
· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	رجه، مقياس (وسيلهٔ سنجش باد تاير، فاصله بين ريل خط آهن و)، ضخامت ورق فلزى
gauge /geɪdʒ/ verb	ر ا قطر سیم و
television /'tel.i.viʒ.ən/ noun	لویزیون، دور نشان
live /lɪv/ adjective	ریریری رو نیش ضبط نشده)
relay /ˈriː.leɪ/ noun	.ستگاه تقویت نیروی برق، تلگراف، برنامهٔ رادیو تلویزیونی و
antenna /ænˈten.ə/ noun	رت دروی روی در در بی سیم) انتن، شاخک، موج گیر (در بی سیم)

confines (boundary) /ˈkɑːn.faɪnz/ plural noun	محدوده (مرز)	
linger /ˈlɪŋ.gə/ verb	درنگ کردن، دیر رفتن	
8. PSYCHOLOGY		
Word	Definition	
applied psychology /əˈplaɪd.saɪˈkɑː.lə.dʒi/ noun	روان شناسی کاربردی (استفاده از روشهای روان شناختی برای حل مشکلات عملی در رفتار و تجربهٔ انسان یا حیوان، شامل نوع بالینی، مشاوره، تکاملی، عصبی، بهداشت حرفهای، قانونی و)	
psychology /saɪˈkɑːːlə.dʒi/ adjective	روان شناسی (مطالعهٔ علمی ذهن و عملکرد آن، بهویژه نوع تأثیر گذار بر یک زمینهٔ رفتاری خاص)	
psychologist /saɪˈkɑːːlə.dʒɪst/ noun	روانشناس	
psychiatry /saɪˈkaɪə.tri/ noun	روان پزشکی (مطالعه و درمان ناخوشیهای روحی و اختلالات عاطفی)	
psychiatrist /saɪˈkaɪə.trɪst/ noun	روان پزشک	
psychological test / saɪ.kəˈlɑː.dʒɪ.k əl.ˈtes.tɪŋ/ noun	آزمون روانشناختی (اندازگیریِ هدفمند از یک نمونه رفتار (عملکرد فردی شخص در وظایف از پیش تعیین شده))	
conformity /kənˈfɔːr.mə.t.j/ noun	ر	
majority /məˈdʒɑː.rə.tj/ <i>noun</i>	سن قانونی (اکثریت)	
mental /ˈmen.t¸ əl/ adjective	۔ ذهنی، روحی، روانی	
minority /maɪˈnɑːr.ə.t.j/ <i>noun</i>	عدم بلوغ (اقلیت)	
physical /ˈfɪz.ɪ.k əl/ adjective	فیزیکی، جسمانی، مادی	
spiritual /ˈspɪr.ɪ.tju.əl/ adjective	روحانی، معنوی، غیر مادی	
subject /ˈsʌb.dʒekt/ noun	نود (شخص یا موضوع مورد بحث و بررسی)	
behavior /bɪˈheɪ.vjə/ noun	فتار، اخلاق، طرز رفتار	
behavioral pattern /bɪˈheɪ.vjə.əl.ˈpæt_ən/ noun	خصوصیات رفتاری، الگوی رفتاری	
element (factor) /'el.i.mənt/ noun	مقدار اندکی از یک حس (مانند صداقت، حسادت، حیرت و)	
cause /ka:z/ noun	نهضت، جنبش، اصول ارزشمند اجتماعي	
aspect /ˈæs.pekt/ noun	نمود، منظر، جنبه	
motive /'mou.t.jv/ noun	نگیزه، محرک، موجب	
modify /ˈmɑː.dɪ.faɪ/ verb	نغییر یا اصلاح اندک در طرز فکر یا خصوصیات اخلاقی	
modification / ma:.dɪ.fɪˈkeɪ.ʃ ən/ noun	نغيير يا اصلاح	
overt (extroverted) /ou'v3:t/ adjective	شکار (برونگرا)	
covert /ˈkoʊ.vɜːt/ adjective	هان، پوشیده	
cognitive /ˈkɑːg.nɪ.tˌɪv/ adjective	مربوط به موارد شناختی یا ادراکی	
empirical /ɪmˈpɪr.ɪ.k əl/ adjective	نجربي، غيرعلمي	
conditioning /kənˈdɪʃ. an.ɪŋ/ noun	شرطیسازی (واکنش (پاسخ) به یک شی یا رویداد (محرک) توسط یک شخص یا حیوان بدون تعمق و بهصورت ناخودآگاه)	
association /əˌsoʊ.siˈeɪ.∫ ⁵n/ noun	وابستگی، وابستهسازی	
intelligence quotient (IQ) /ɪnˈtel.ɪ.dʒ ənts.ˈkwoʊ.ʃ ənt/ noun	ر. کی ر. کی جی برای سنجش هوش انسان) پهره هوشی (روشی برای سنجش هوش انسان)	
chronicle /ˈkrɑː.nɪ.kl/ noun	شرح وقایع به ترتیب تاریخ، تاریخچه	
voluntary /ˈvɑː.l ºn.ter.i/ adjective	ختياري، داوطلبانه	
involuntary /m'va:.lən.ter.i / adjective	عیاری، عبر الله عبر عمدی یاختیار، غیرارادی، غیر عمدی	
involuntary / in vaon.co / adjective	ی حیور حیورت کی حیرت الله الله الله الله الله الله الله الل	
<b>behaviorism</b> /bɪˈheɪ.vjə.ɪ.z əm/ noun	يروني آنها)	
psychoanalysis / ˌsaɪ.koʊ.əˈnæl.ə.sɪs/ noun	وان کاوی یا روان تحلیل گری (نظریهای دربارهٔ عملکرد ذهن و اختلالهای روانی)	
Freud Jung displacement /'froi.d.'joŋ.di'spleis.mont/ noun	ظریهٔ جابهجایی فروید و جانگ (مکانیزم دفاعی ناخودآگاه ذهن که یک هدف جدید را جای- گزین اهدافی که در قالب اصلی خود خطرناک یا غیر قابل قبول بهنظر میرسند میکند)	
unconscious /An'ka:n.tʃəs/ noun	ناخوداً گاه، ضمیر ناخوداً گاه (مجموعهای از تمایلات، آرزوها و خاطرات خارج از دسترس که به وسیله شناسایی، ادراک نشده و بر اندیشهها و اعمال تأثیر دارند)	

subconscious / sʌbˈkɑːn.∫əs/ noun	نیمهٔ هشیار (حاوی همهٔ اطلاعاتی که در لحظه در ذهن حضور ندارند، اما امکان جابهجایی آنها
	به قسمت ذهن وجود دارد)
instinct /'ın.stıŋkt/ noun	غريزه
abnormal /æbˈnɔːr.məl/ adjective	غیر عادی، ناهنجار
abnormal psychology (psychopathology) /- saɪˈkɑː.lə.dʒi/ noun	علم آسیب شناسی روانی (شاخهای از روانشناسی که به بررسی الگوهای رفتاری، احساسات و
	اندیشههای غیرمعمول که می توانند به عنوان یک اختلال روانی در نظر گرفته شوند می پردازد)
irrational /1'ræſ. ³n. ³l/ adjective	نامعقول، غیر منطقی
normodic (nytr' oy oya / norm (nhund normodes)	اختلال روانی (طبقهای از اختلالات روانشناختیِ عملکردی همراه با پریشانیِ مزمن، ترس،
neurosis /nor'oo.sis/ noun (plural neuroses)	رفتارهای غیر معمول و نوعی وسواس به تکرار اقدامات غیرضروری)
neurotic /nor'a:.t.j.k/ noun	دچار اختلال عصبی، عصبی
nevel period (con transcript and more (planel period cose)	بیماریِ روانی، جنون، روانپریشی (وضعیت غیر طبیعی ذهن با علائمِ از دست دادن ارتباط با
psychosis /sai'kov.sis/ noun (plural psychoses)	واقعیت، توهم و هذیان، قبل از بروز اختلال در عملکرد شخص (اختلال روانی))
insane (mad; lunatic) /in'sein/ adjective	دیوانه، مجنون، بیعقل، احمقانه
<mark>hysteria</mark> /hɪˈstɪr.i.ə/ <i>noun</i>	تشنج، غش یا بیهوشی، هیجان زیاد، حملهٔ عصبی
mania /ˈmeɪ.ni.ə/ noun	شیدایی، علاقهمندی غیرعقلانی، هیجان بیدلیل و زیاد

Word	Definition
physiologist / fiz.i'a:.lə.dʒɪst/ noun	فیزیولوژیست (دانشمند در زمینهٔ بررسی نحوهٔ عملکرد اندامهای مختلف بدن)
anatomy /əˈnætˌə.mi/ noun	ساختمان، استخوانبندي، مبحث تشريح، كالبد شناسي

9. PHYSIOLOGY

<pre>physiologist / fiz.i'a:.lə.dʒist/ noun</pre>	فیزیولوژیست (دانشمند در زمینهٔ بررسی نحوهٔ عملکرد اندامهای مختلف بدن)
anatomy /əˈnæt¸ə.mi/ noun	ساختمان، استخوانبندی، مبحث تشریح، کالبد شناسی
scalpel /ˈskæl.p əl/ noun	چاقوی کالبد شکافی، چاقوی کوچک جراحی
cell /sel/ noun	سلول (کوچکترین واحد ساختاری و عملکردیِ اندام یک موجود زنده)
tissue /ˈtɪʃ.uː/ noun	بافت (مجموعهای از سلولهای مشابه که با یکدیگر کار مشخصی را انجام میدهند)
organ /ˈɔːr.gən/ noun	عضو، اندام
system /ˈsɪs.təm/ noun	دستگاه، سیستم
organ system /ˈɔːr.gən -/ noun	دستگاه زیستی (مانند دستگاه عصبی، تولید مثل و)
digestive system /dar dzes.tiv -/ noun	دستگاه گوارش
intake /' in.teik/ noun	مکیدن، تنفس، مصرف (مقدار واحد جذب شده از یک مادهٔ غذایی یا هر مادهٔ دیگری)
ingest /ınˈdʒest/ verb	قورت دادن، به شکم فرو بردن
saliva /səˈlaɪ.və/ noun	بزاق، آب دهان
intestine (bowel) /in tes.tin/ noun	روده (شکم)
abdomen / æb.də.mən/ noun	شکم، بطن
anus / eɪ.nəs/ noun	مقعد
excrete /ıkˈskriːt/ verb	دفع کردن
<b>skeletal system</b> /'skel.i.t_oll -/ adjective	دستگاه اسکلتی
<b>skeleton</b> /ˈskel.ɪ.tə̞n/ noun	اسكلت، استخوان بندى
skull /skal/ noun	جمجمه
rib /rɪb/ noun	دنده (جفت استخوان در طرفین قفسه سینه که از ستون مهرهها آغاز میشوند)، گوشت دنده
spine /spain/ noun	ستون فقرات
muscular system /ˈmʌs.kjʊ.lə -/ adjective	دستگاه عضلانی
muscle / mas.l/ noun	ماهیچه، عضله، نیروی عضلانی
muscle fiber /ˈmʌs.l, ˈfaɪ.bə/ noun	بافت ماهیچه
contract /kənˈtrækt/ verb	منقبض كردن
cramp (spasm) /kræmp/ noun	گرفتگی عضلات، انقباض ماهیچه

دستگاه تنفسی

علائم مشخصهٔ مرض (بدنی و ذهنی)

**syndrome** /'sin.droum/ noun

respiratory system / res.pa.a.ta:r.i -/ noun

lung /lʌŋ/ noun	ریه، جگر سفید (شش)
exhale /eks'heɪl/ verb	بیرون دادن، دم برآوردن
inhale /ɪnˈheɪl/ verb	تنفس کردن، در ریه فرو بردن
pulmonary /ˈpʊl.mə.ner.i/ adjective	ریوی، وابسته به ریه
circulatory system /ˈsɜː.kjʊ.leɪ.tɔːr.i -/ noun	سیستم گردش خون
cardiology /ˌkɑːr.diˈɑː.lə.gi/ noun	قلب و عروق، دانش قلب شناسی
arteriosclerosis /ˈɑːr.t.əiə.skləˈroʊ.sɪs/ noun	تصلب یا سخت شدن شرایین (شاهرگ یا سرخرگ)
vessel (blood) /' ves. <sup>a</sup> l/ noun	مجرا، رگ خونی
artery /ˈɑːr.t.ə.i/ noun	شریان، شاهرگ (سرخرگهایی که خون را از قلب به سایر اندامها منتقل میکنند)
vein /veɪn/ noun	ورید، سیاهرگ (رگی که خون را از اندامها به قلب باز می گرداند)
capillary /kəˈpɪl.ə.i/ noun	مویرگ (رگهای خونی بسیار ظریفی که شریانچهها به آنها میرسند)
plasma /ˈplæz.mə/ noun	پلاسما (قسمت آبکی خون)
liver /ˈlɪv.ə/ noun	کبد، جگر سیاه، مرض کبد
metabolism /məˈtæb. əl.ɪ.z əm/ noun	سوخت و ساز (مجموعهای از تحولات شیمیایی در ترکیب موجود زنده برای حفظ حیات)
urinary system /ˈjʊr.ɪ.ner.i -/ noun	سیستم ادراری
urinary bladder /ˈjʊr.ɪ.ner.i.ˈblæd.ə/ noun	مثانه
kidney /ˈkɪd.ni/ noun	کلیه
reproductive system /ˌriː.prəˈdʌk.tɪv -/ noun	دستگاه تولید مثل (تناسلی)
reproduction / ri:.prəˈdʌk.∫ ³n/ noun	تكثير، توليد مثل
fertilize /ˈfɜː.t̪ əl.aɪz/ verb	بارور کردن
chromosome /ˈkroʊ.mə.soʊm/ noun	کروموزوم (یک ساختار نخاعی، موجود در هستهٔ بیشتر سلولهای زنده و حامل اطلاعات
	ژنتیکی در قالب ژن)
pregnant / preg.nənt/ adjective	باردار
gene /dʒi:n/ noun	ژن (عامل موجود در کروموزوم و ناقل صفات ارثی)
genetically /dʒəˈnet¸ı.kli/ adverb	به طور تکوینی، وابسته به پیدایش یا اصل هر چیز، مربوط به وراثت
embryo / em.bri.ov/ noun	مرحلهٔ بدوی، رویان (در انسانها، یاختهٔ تشکیل شده در نخستین مرحلهٔ رشد، از لحظهٔ لِقاح تا پایان هفتهٔ هشتم (قبل از تشکیل جنین))
fetus /ˈfiː.tˌəs/ noun	جنین (در انسانها، یاختهٔ رشد کننده بعد از پایان هفتهٔ هشتم از لحظهٔ لقاح)
insemination /In sem.i 'nei.∫ °n/ noun	تلقيح، أبستن كردن
endocrine system / en.də.kram -/ noun	سیستم غدد درون ریز (ترشح کنندهٔ مستقیم هورمونها و دیگر فرآوردهها به خون)
	غده یا تخمک (اجتماعی از سلولهای ترشح یا تراوش کننده شامل نوع برون ریز (غدد بزاقی،
gland /glænd/ noun	غدهٔ عرقی، غدهٔ چربی و) و نوع درون ریز (غدهٔ تیروئید))
	هورمون (مادهای شیمیایی شامل پروتئین که در غدد درون ریز ساخته شده و به داخل
hormone /'hɔːr.moun/ noun	رر رای خون می ریزد که اعمال سلول خاص را تغییر می دهد)
secrete /sɪˈkriːt/ verb	ترشح کردن، تراوش کردن
exocrine gland /ˈeksəˌkrin.glænd/ noun	ر ی رای رون ریز (ترشح کنندهٔ آنزیم های خود به بیرون از بدن یا بیرون از رگ خونی) غدد برون ریز (ترشح کنندهٔ آنزیم های خود به بیرون از بدن یا بیرون از رگ خونی)
nervous system / ns:.vəs -/ adjective	دستگاه عصبی
central nervous system / sen.tral -/ noun	دستگاه عصبی مرکزی
contra ner rous system / sen.usi / noun	رشتهٔ مغزی و ستون فقراتی (یاختهٔ عصبی از نوع انگیزش پذیر، مسئول انتقال پیامها از مغز
neuron /'nor.a:n/ noun	رست منزی و ستون عورای ریاضه عسبی از نوع انتیرس پدیره سستون انتقال پیامها از منز به سمت عضلات و غدد)
reflex /'ri:.fleks/ noun	عكسالعمل غير ارادي، واكنش
neuroscience (neurobiology) /nur'ousaiənts/ noun	عصب شناسی، علوم اعصاب (دانش مطالعهٔ ساختار، کارکرد و بیماریهای دستگاه عصبی

10. FOOD	
Word	Definition
food chain /fuːd.tʃeɪn/ noun	زنجیرهٔ غذایی (حلقههای زنجیرهایِ وابستگی غذایی همهٔ موجودات زنده به یکدیگر)
edible / ed.1.bl/ adjective	خوراکی، چیز خوردنی
inedible /ɪˈned.ɪ.bl/ adjective	غیر خوراکی
diet / dar.ət/ noun	پرهیز، رژیم غذایی
dietary / dar.ə.ter.i/ adjective	مربوط به رژیم غذایی
vegetarian / ved3.1 ter.i.ən/ noun	گیاهخوار، گیاهخواری
cereal (grain) /ˈsɪr.i.əl/ noun	غلات (دانه)
flour /flavo-/ noun	آرد
bread /bred/ noun	نان
pastry / pei.stri/ noun	شیرینی، شیرینی پذیری
pistachio (nut) /pɪˈstæʃ.i.ou/ noun	پسته، درخت پسته
yeast (leaven; ferment) /ji:st/ noun	خمیر مایه، خمیر ترش
fruit /fru:t/ noun	ميوه، ثمر
salad /ˈsæl.əd/ noun	سالاد
meat /mi:t/ noun	گوشت حیوان (بهویژه چهارپایان)، غذای اصلی (ناهار، شام)
dark meat /ˈdɑːrk-/ noun	گوشت تیره، گوشت ماهیچههای پرکار پرندگان (مانند ران مرغ و سینهٔ اردک)
beef /bi:f/ noun	گوشت گاو
steak (beef) /steik/ noun	باریکهٔ گوشت کبابی، استیک
groundbeef (hamburger) / graund -/ noun	گوشت چرخ کرده (همبرگر)
pork /pɔːrk/ noun	گوشت خوک
mutton /ˈmʌtၞ ºn/ noun	گوشت گوسفند، گوسفند
dairy / der.i/ noun	لبنیات، شیر بندی
butter /ˈbʌt¸ə/ noun	کره، روغن
cheese /tʃiːz/ noun	پنیر
cream /kriːm/ noun	سرشير، خامه
ice cream / ais .kri:m/ noun	بستنى
yogurt /ˈjoʊ.gət/ noun	ماست
nutrient /'nu:.tri. ant/ noun	مادهٔ مغذی
carbohydrate (starch) / kɑːr.bəʊˈhaɪ.dreɪt/ noun	کربوهیدرات (نوعی از ترکیبات آلی (مانند قند و نشاسته) که در بدن ایجاد انرژی میکنند)
fat /fæt/ adjective	چرب، چربی، روغن حیوانی، پیه
fat-free / fæt fri:/ adjective	مادهٔ غذایی بدون چربی (گیاهی و یا حیوانی)
the least fattening of course /ðə.li:st.ˈfæt¸ ən.ɪŋ.ɑ:v.kɔ:rs/	کم ترین میزان چاق کنندگی حاصل از مصرف وعدهٔ غذایی
	پروتئین (هر یک از کلاسهای ترکیبات آلی نیتروژنی بهعنوان اجزای سازندهٔ بافتهای بدن
protein / prov.ti:n/ noun	(مانند عضله، مو و))
vitamin /ˈvaɪ.tˌə.mɪn/ noun	ویتامین (ترکیبات آلیِ مورد نیاز در رژیم غذایی برای سوخت و ساز مواد غذایی، رشد طبیعی و)
calorie /ˈkæl.ə.i/ noun	کالری (واحد سنجش مقدار انرژی حاصل از مواد غذایی)
nourishing (nutritious) / n3:.1.ʃɪŋ/ adjective	مغذی، مقوی
nutrition /nu: 'trɪʃ. ən/ noun	تغذیه، خوراک، قوتگیری
process / pra:.ses/ noun	فرآیند، روند
raw /rɑː/ adjective	خام، نپخته

preserve /pri'z3:v/ noun	مربا، کنسرو میوه
additive /ˈæd.ə.t.jv/ noun	فزودنى
packaging /ˈpæk.ɪ.dʒɪŋ/ noun	سته بندی
restaurant /ˈres.tə.rɑːnt/ noun	رستوران، كافه
fast-food restaurant (snack bar) / fæst fu:d res.tə.ra:nt/ noun	رستوران فست فود (خوراک مختصر و سریع)
coffee shop /ˈkaː.fi.ʃaːp/ noun	نهوه خانه، رستوران
cafeteria / kæf.əˈtɪr.iə/ noun	رستوران سلف سرويس
menu / men.ju:/ noun	منو، فهرست خوراک، صورت غذا
bar/ba:r/noun	مشروب فروشی، مکانی جهت صرف نوشیدنی بهصورت ایستاده
beverage /'bev.ə.ɪdʒ/ noun	مشروب، آشامیدنی
wine /waɪn/ noun	شراب
alcoholic /ˌæl.kəˈhɑː.lɪk/ adjective	لکلی، دارای الکل
meal /mɪəl/ noun	خوراکی، وعدهٔ غذایی (وعدهٔ اصلی)
oatmeal /'out.mi:l/ noun	لغور یا آرد جوی دو سر
buffet /bəˈfeɪ/ noun	وفه، رستوران، كافه
egg /eg/ noun	نخم مرغ، تخم
fried egg (sunny-side up; over) /fraid -/ noun	نخم مرغ سرخ شده (نيمرو)
course /kɔːrs/ noun	وعدة غذا
dessert /dɪˈzɜːt/ noun	دسر
refreshment /rıˈfre∫.mənt/ <i>noun</i>	میان وعده یا نوشیدنی سبک (بهویژه در یک مراسم یا رویداد عمومی)
banquet /ˈbæŋ.kwɪt/ noun	مهمانی، ضیافت
cuisine /kwɪˈziːn/ <i>noun</i>	خوراک، دست پخت، روش آشپزی
recipe /ˈres.ɪ.pi/ noun	دستورالعمل، دستور آشپزی
spice (seasoning) /spars/ noun	دویه، چاشنی غذا
spread /spred/ verb	پخش کردن، گستردن (اسم: خوراکی نرم (مانند پنیر، کرم شکلات و)، وعده غذایی مفصل)
bake /beɪk/ verb	بختن، طبخ کردن
roast /roust/ verb	کباب کردن، بریان کردن، سرخ کردن
barbecue /ˈbɑːr.bɪ.kjuː/ noun	ریانی، کباب
<b>broil</b> (grill) /brɔɪl/ <i>verb</i>	کباب کردن، سرخ کردن (روی آتش)
toast /toust/ noun	ان تست، نان برشته
stew (simmer) /stu:/ noun	خورشت، تاس کباب (نیم جوشان)
gourmet / gor.mei/ adjective	ذيذ، تهيهٔ غذاي لذيذ (اسم: خوراک شناس)
connoisseur / ˌkɑː.nəˈsɜː/ noun	خبره، خبره در چشیدن طعم غذا

Word	Definition
character /ˈker.ɪk.tə/ noun	شخصیت، منش، سیرت
characteristic (trait) / ker.ık.tə rıs.tık/ adjective	مشخصه، ویژگی
introvert /ˈɪm.trə.vɜ·ːt/ noun	درونگرایی، خویشتنگرای (انسانهای خجالتی، متواضع و بهطور معمول خود محور که انرژی خود را از درون خود دریافت میکنند (ایدهها و مفاهیم را از ذهن))
extrovert /'ek.strə.və:t/ noun	برون گرایی (انسان علاقهمند به همراهی با مردم، شخصی که تمام عقاید و افکارش متوجه بیرون از خودش است)
innate (born) /1' neɪt/ adjective	ذاتی، فطری
sanguine (optimistic) / sæŋ.gwɪn/ adjective	خوش مشرب، امیدوار و مثبت اندیش (خوش,بین)

<b>cheerful</b> (joyful; joyous) /'tʃɪr.f əl/ adjective	بشاش، خوش روی
ardent (fervent; passionate) / a:r.d ant/ adjective	مشتاق (پرشور و شعف)
enthusiastic (warmhearted; zealous) /ınˌθuː.ziˈæs.tık/ adjective	مشتاق، علاقهمند (مهربان، هواخواه)
sociable (social) / sov.ʃə.bl/ adjective	اجتماعی، خوش مشرب
courteous /'k3:.tj.əs/ adjective	مؤدب، فروتن
cordial (hearty; genial) /ˈkɔːr.dʒəl/ adjective	صمیمی، خون گرم، خوشرو
sincere (earnest; genuine) /sm'sr/ adjective	مخلص، صادق، صمیمی (دل گرم، حقیقی)
candid (frank; straightforward) / kæn.dɪd/ adjective	بی پرده، منصفانه، صاف و ساده (صریح، صادق)
trustworthy (reliable; dependable) / trʌstˌwə:.ði/ adjective	قابل اعتماد، قابل اطمينان
ingenuous /ɪnˈdʒen.ju.əs/ adjective	صاف و ساده، بی تزویر، رکگو، اصیل
hospitable /ha: 'spit.p.bl/ adjective	مهمان نواز، غریب نواز، مهمان نوازانه
charitable (bountiful; generous) / tʃer.ɪ.tə.bl/ adjective	دست گیر، سخی، بخشنده، (موسسه) خیریه
sympathetic (compassionate) / sim.pəˈθet¸ık/ adjective	همدرد، دلسوز، شفیق
nowledgeable (erudite) /ˈnɑː.lɪ.dʒə.bl/ adjective	باهوش، زیر ک، مطلع، آگاه (عالم)
intelligent (smart; bright) /ınˈtel.ɪ.dʒ ont/ adjective	زیرک، باهوش
humorous /ˈhjuː.mə.rəs/ adjective	طنز آميز
witty /ˈwɪtˌi/ adjective	بذله گو، شوخ
versatile (many-sided; multi-faceted) /'v3:.sə.t, °l/ adjective	دارای استعداد و ذوق، همه کاره
<b>competent</b> (qualified) /'kɑːm.pə.t¸ adjective	لايق، شايسته (واجد شرايط)
assiduous (diligent; arduous; laborious) /əˈsɪd.ju.əs/ adjective	سخت کوش، دارای پشتکار
ingenious (clever) /ɪmˈdʒiː.ni.əs/ adjective	مبتكر، باهوش
judicious (wise; sensible) /dʒuːˈdɪʃ.əs/ adjective	عاقل، دانا، خردمند
<b>frugal</b> (thrifty; economical) /' fru:.g °l/ adjective	صرفه جو (مقتصد)
quisitive (curious) /m'kwɪz.ɪ.tˌɪv/ adjective	کنجکاو، پیجو
officious (prying) /əˈfɪʃ.əs/ adjective	فضول، مداخله گر، ناخواسته (کنجکاوی)
intrusive /ɪnˈtruː.sɪv/ adjective	سرزده، ناخوانده، فضول، فضولانه
impetuous (hasty) /im' pet.ju.əs/ adjective	بیپروا، سریع (شتابزده)
impulsive (rash) /imˈpʌl.sɪv/ adjective	عجول، بیپروا، عمل بدون فکر قبلی و فی البداهه
whimsical (odd; eccentric) / wim.zi.k al/ adjective	بوالهوس، وسواسي، دهن بين (عجيب و غريب)
fanatic /fəˈnæt_ık/ noun	شخص متعصب
mischievous /'mɪs.tʃi.vəs/ adjective	موذی، بدجنس
<b>Reptical</b> (dubious; doubtful; suspicious) /'skep.ti.k əl/ adjective	شکگرایی، تردید، دیر باور (بدگمان، مشکوک)
reluctant (loath) /rɪˈlʌk.t ³nt/ adjective	بيميل (بيزار)
vigilant (alert; watchful; wary) / vidʒ.i.lənt/ adjective	مراقب، هوشيار
cautious (careful; prudent) /ˈkɑː.ʃəs/ adjective	هوشيار، محتاط، مواظب
scrupulous (discreet) /ˈskruː.pjʊ.ləs/ adjective	محتاط، وسواسي
composed (cool; calm; self-controlled) /kəmˈpoʊzd/ adjective	آرام، خونسرد
reserved (restrained) /rɪˈzɜːvd/ adjective	محتاط، کم حرف (کسی که احساسات رو دیر بروز میدهد)
relancholy (moody) / mel.əŋ.ka:.li/ adjective	بد اخلاق، عبوس، مالیخولیا یا سودازدگی (نوعی افسردگی که مهمترین ویژگی آن بی- انگیزگی همراه با اختلال بارز روانی حرکتی و احساس گناه است)
depressed (dejected) /dɪˈprest/ adjective	اندیر نی همراه با احتلال باررِ روانی حر نبی و احساس نباه است) دلتنگ، یریشان، افسرده
ucpresseu (dejected) / dr prest/ dajective	دلتنگ، پریشان، افسرده
frustrated (disappointed) /frns 'trei.t.jd/ adjective	ناامید، ناکام

anxious (uneasy; care) / æηk. fəs/ adjective	مشتاق، دلواپس (مضطرب)
timid (cowardly) / tım.ıd/ adjective	ترسو، ک <sub>هر</sub> و، محجوب ترسو، کهرو، محجوب
dependent /dr'pen.d ont/ adjective	وابسته، مربوط، محتاج
humble (unpretentious) / hʌm.bl / adjective	۔ پست، فروتن، متواضع، محقر (بی تکلف)
listless (languid) /ˈlɪst.ləs/ adjective	بىمىل، بى توجە (ضعيف، بى حال)
stubborn (obstinate) / stʌb.ən/ adjective	سمج، خود رأى، لجوج
persistent (persevering) /po-'sis.t ant/ adjective	مصر، سمج (با پشتکار)
adamant (dogged; insistent; unbending) / æd.ə.mənt/ adjective	یکدنده (مصر، قاطع)
contemptuous (scornful) /kənˈtemp.tju.əs/ adjective	 اهانت آميز، مغرورانه، قابل تحقير، تحقير آميز
pompous (vainglorious) /ˈpɑːm.pəs/ adjective	باشکوه، خود نمایانه (خودستا)
haughty (arrogant; supercilious) / hat.j/ adjective	مغرور و متکبر (خودبین، از روی خودخواهی)
dominant (governing) / 'da:.mə.nənt/ adjective	غالب، برجسته (حاکم)
domineering (overbearing; tyrannical) / dom.r'niə.rin/ adjective	- ب. بر سلطه جو (از خود راضی، استبدادی)
presumptuous (daring; audacious) /pri: 'zʌmp.tʃu:.əs/ adjective	مغرور (گستاخ، بی پر وا)
extravagant (lavish) /ikˈstræv.ə.g ant/ adjective	عبر معقول، عجيب غريب، گزاف، مفرط (حراج، ولخرج)
aggressive (quarrelsome; belligerent) /əˈgres.ɪv/ adjective	یرخاش گر، متجاوز (ستیزهجو)
ferocious (fierce) /fə'rov. ʃəs/ adjective	پر حس ور. سبوری ہوی تندخو، خشمگین
hostile (unfriendly) /'ha:.st °l/ adjective	متخاصم، ضد (غیر دوستانه)
offensive (irritating; annoying) /əˈfent.sɪv/ adjective	متحاوز، اهانتآور (رنجش آور)
bad-tempered (ill-humoured) / bæd temp.o-d/ adjective	منبور، اهانت ور اربیس اور) بدخلق، عبوس
relentless (unrelenting) /rɪ'lent.ləs/ adjective	بدحتی، عبوس بیرحم (بیامان، سختگیر)
-	بی پروا، بیملاحظه
reckless (heedless) / rek.ləs/ adjective	بی پروا، بیمبرخطه خودخواه، خود پرست (خود خواهانه)
selfish (egotistic) /' sel.fiʃ/ adjective	
avaricious (rapacious; greedy) / æv.əˈrɪʃ.əs/ adjective	حريص، أزمند (درندهخو، طماع)
stingy (miserly) / stin.dʒi/ adjective	ناشی از خست، خسیس، چشم تنگ
snobbish / sna:.bif/ adjective	مغرور، پرافاده
hypocritical (insincere) / hip.əˈkrit Ji.k əl/ adjective	متظاهر، ریاکار (غیر صمیمی)
foolish (silly; stupid) / fu:.lɪʃ/ adjective	احمق، ابلهانه
clumsy (awkward) /'klʌm.zi/ adjective	بد ترکیب، زمخت، نا آزموده (غیر استادانه)
ignorant (uninformed) / ig.nə. ənt/ adjective	نادان، جاهل (بیاطلاع)
incompetent (incapable; unfit) /inˈkɑːm.pə.tˌənt/ adjective	بی کفایت، فاقد صلاحیت (ناتوان، نامناسب)
irresponsible (untrustworthy; unreliable) / ˌɪr.ɪˈspɑːnt.sɪ.bl/ adjective	وظيفه نشناس (غير قابل اعتماد)
negligent (neglectful) / neg.li.d3 ant/ adjective	غافل، بیدقت، فروگذار
neutral /ˈnuː.trəl/ adjective	بىطرف
detached (impartial) /dɪˈtætʃt/ adjective	جدا، منفصل، بیاعتنا (بیغرض، عادل)
disinterested (fair; unbiased; unprejudiced) /di'sm.trə.stid/ adjective	بیغرض، بیطرف (منصفانه، بی تعصب)
12. MED	ICINE
Word	Definition
remedy (therapy) / rem.ə.di/ noun	درمان، علاج، دارو
medicinal /məˈdɪs.ɪ.nəl/ adjective	دارویی، شفاء بخش
medical /'med.I.k °l/ adjective	پزشکی

medical apparatus (instruments) /- ˌæp.əˈræt,əs/ noun	دستگاه پزشکی (ابزار)
medication (medicine; drug) / med.1 ke1. 3 n/ noun	دارو، تجويز دوا
tablet (pill; capsule) / tæb.lət/ noun	قرص (حبه دارو، کپسول)
injection /ınˈdʒek.∫ °n/ noun	تزریق، داروی تزریق کردنی
anesthetic (narcotic) / æn.əs θet ık/ noun	بیهوشی، داروی بیهوشی (مخدر، مسکن)
surgery /ˈsəː.dʒə.i/ noun	اتاق جراحی، عمل جراحی
antibiotic / æn.t j.bar 'a:.t jk/ noun	آنتی بیوتیک (دارویی (مانند پنی سیلین و مشتقات آن) جهت مهار رشد یا از بین بردن ریزاندامگانی شامل ویروسها، باکتریها، برخی قارچها و)
analgesic (pain-killer) / æn.əlˈdʒi:.zɪk/ noun	ضد درد، مسکن
tranquilizer /ˈtræn.kwɪ.laɪ.zə/ noun	آرام بخش، داروی تسکین دهنده
opiate /ˈoʊ.pi.ət/ noun	مخدر، تسكين دهنده
potency (efficacy) /'pou.t_ant.si/ noun	توان، قدرت، توانایی (کاراَیی)
physician /fiˈzɪʃ. ³n/ noun	پزشک
surgeon /ˈsɜ-ː.dʒ ən/ noun	جراح
dentist (dental surgeon) / den.t.jst/ noun	دندانپزشک (جراح دندانپزشکی)
dietician (dietitian) / dar.əˈtɪʃ. ³n/ noun	متخصص تغذيه
therapist /ˈθer.ə.pist/ noun	درمان شناس (متخصص در یک نوع خاصی از درمان)
radiologist /ˌreɪ.diˈɑː.lə.dʒɪst/ noun	پرتوشناس (متخصص در تفسیر تصاویر حاصل از عمل تصویربرداری)
veterinarian / vet. ³r.ı'ner.i.ən/ noun	دام پزشک
diagnosis / dar.əgˈnoʊ.sɪs/ noun	تشخیص، تشخیص ناخوشی
prescription /pri'skrip.∫°n/ noun	نسخه، نسخه نویسی، تجویز
dispensary (pharmacy) /di'spent.so.i/ noun	داروخانه عمومی، داروسازی، داروخانهٔ تحت حمایت صندوقهای خیریه
emergency (first) aids /1 m3:.d3 ont.si.,f3:st ei.dz/ noun	کمکهای اضطراری، کمکهای اولیه
ailing (ill; sick) / 'eɪ.lɪŋ/ adjective	بيمار
contract /kənˈtrækt/ verb	بيمار شدن، منقبض شدن ماهيچهها
afflict /əˈflɪkt/ <i>verb</i>	مبتلا کردن، رنجاندن
symptom /ˈsɪmp.təm/ noun	نشانه، علائم مرض
indigestion / rn.dr.dzes.tʃ °n/ noun	سوء هاضمه
injury (cut; wound) /ˈɪn.dʒə.i/ noun	آسیب، صدمه (برش، زخم)
hemorrhage (bleeding) / hem. o idz/ noun	خونريزى
disabled (handicapped) /dɪˈseɪ.blˌd/ adjective	معلول (ناقص)
<b>deformity</b> (malformation; misshapen) /dr fɔ:r.mə.t j/ noun	بد شکلی، نقص خلقت (ناهنجاری)
incurable (fatal) /ɪnˈkjʊr.ə.bl / adjective	علاج ناپذیر، بی درمان (کشنده)
cancer /ˈkænt.sə/ noun	سرطان
epidemic / ep.i dem.ik/ noun	بیماری همه گیر، مسری، واگیر
endemic /en'dem.ɪk/ adjective	بیماری همه گیر بومی، مختص یک ناحیه
incidence /ˈɪnt.sɪ.d ənts/ noun	شيوع مَرض، وقوع
influenza (flu) / ˌɪn.flu'en.zə/ noun	آنفلوانزا (یک عفونت ویروسی بسیار مسری که اغلب از راه تنفس منتقل میشود)
infection /m fek, f on/ noun	عفونت، سرایت مرض
infectious /ɪnˈfek.∫əs/ adjective	عفونی، واگیر
contagious /kənˈteɪ.dʒəs/ adjective	مسری، واگیردار
contaminate /kənˈtæm.ɪ.neɪt/ verb	آلودن، سرایت دادن
inflammation /ˌɪn.fləˈmeɪ.∫ ³n/ noun	التهاب (نوعی پاسخ موضعی بدن بهدنبال هر نوع آسیب بافتی (مانند بریدگی، سوختگی و))

Word	Definition
13. MATHER	
vaccination / væk.sı'nei.ʃ °n/ noun	واکسن زنی
immunization /ˌɪm.jʊ.naɪˈzeɪ.∫ ³n/ noun	ایمن سازی (فرآیند تقویتِ سیستم ایمنی فرد در مقابل یک عامل)
inspect /in'spekt/ verb	بررسی کردن، رسیدگی کردن
sanitary /ˈsæn.ɪ.ter.i/ adjective	بهداشتی
hygiene /ˈhaɪ.dʒiːn/ noun	بهداشت، علم بهداشت
acute /əˈkjuːt/ adjective	حاد، (سلسله اعصاب) حساس
chronic /ˈkrɑː.nɪk/ adjective	دیرینه، مزمن، شدید
allergy /ˈæl.ə.dʒi/ noun	حساسیت نسبت به چیزی
anemia /əˈniː.mi.ə/ noun	کم خونی
stroke /strouk/ noun	سکتهٔ مغزی (اختلال ناگهانی در خونرسانی به ناحیهای از مغز)
heart attack /ha:rt.əˈtæk/ noun	حمله قلبی، سکته (آسیب به عضلهٔ قلب ناشی از کاهش یا توقف خونرسانی)
<b>hypertension</b> (high-blood pressure) / har.pə 'ten.tʃ 'an/ noun	فشار خون، بیماری فشار خون (فشار خون بالا)
noninfectious /na:n.in fek. fex / adjective	غير عفونى
virus /ˈvaɪə.rəs/ noun	ویروس (عامل نقل و انتقال امراض)
microorganism (germ; bacteria) / mai.krou'ɔːr.g ən.i.z əm/ noun	جانوران کوچک و میکروسکوپی (باکتری)

Word	Definition
arithmetic /əˈrɪθ.mə.t.j.k/ noun	حساب، حسابی، علم حساب
mathematician / ˌmæθ.məˈtɪʃ. ³n/ noun	ریاضیدان
calculation /ˌkæl.kjʊˈleɪ.ʃ ən/ noun	محاسبه، محاسبات
calculator /ˈkæl.kjʊ.leɪ.tə/ noun	ماشين حساب
abacus /ˈæb.ə.kəs/ noun	چرتکه
numeral /ˈnuː.mə.rəl/ adjective	شمارهای، عددی
sum /sam/ noun	حاصل جمع
total (sum total) /'təʊ.t əl/ noun	مجموع، سرجمع
aggregate /ˈæg.rɪ.gət/ noun	جمع
fraction / fræk. f an/ noun	کسر
decimal / des.i.məl/ adjective	عشاری، دهگان (اسم: دهدهی)
percentage /pəˈsen.tj.dʒ/ noun	رحسب درصد، درصد
addition /əˈdɪʃ. an/ noun	ضافه، افزایش، جمع
plus /plns/ preposition	فزون بر (اسم: علامت بعلاوه)
subtraction /səbˈtræk.∫ ³n/ noun	ناهش، تفريق
minus /ˈmaɪ.nəs/ noun	ىنهاى، علامت منفى (صفت: كمتر)
multiplication / mʌl.t.jplɪˈkeɪ.ʃən/ noun	ضرب، افزایش
multiplication table /- 'teɪ.blˌ/noun	مدول ضرب
multiply /ˈmʌl.tˌj.plaɪ/ verb	سرب کردن
times /taimz/ preposition	ضربد <sub>ر</sub> (×)
power /pauə/ noun	وان
square /skwer/ noun	وان دوم، مجذور
division /dɪˈvɪʒ. ən/ noun	قسيم، بخش
divide /dr'vard/ verb	قسيم كردن، قسمت كردن
over /'ou.vo/ preposition	نقسیم بر

algebra /ˈæl.dʒə.brə/ noun	<b>-</b>
quantity /ˈkwɑːn.t.ə.t.j/ noun	مقدار، کمیت، اندازه
unknown quantity /ʌnˈnoʊn -/ noun	مقدارِ مجهول
equation /1 'kwe1.3 °n/ noun	معادله، برابری
formula / fɔ:r.mjv.lə/ noun (plural formulas or formulae)	فرمول، قاعده
root /ru:t/ noun	ريشه
square root /skwer -/ noun	جذر، ريشهٔ دوم
cube root /kjuːb -/ noun	ريشة سوم
geometry /dʒi'a:.mə.tri/ noun	علم هندسه
geometric / dʒi:.əˈmet.rɪk/ adjective	هندسى
dimension / dar men.t on/ noun	بعد، اندازه
parallel / per.ə.lel/ adjective	موازی
vertical /ˈvɜː.tˌɔ.k əl/ adjective	عمودى
square /skwer/ noun	مربع
area /'er.i.ə/ noun	مساحت، ناحیه، سطح
rectangle (oblong) / rek.tæŋ.gl / noun	مربع مستطيل
polygon /ˈpɑː.lɪ.gɑːn/ noun	چند گوشه، چند ضلعی
cube /kju:b/ noun	مکعب، هر چیزی به شکل مکعب
volume /ˈvɑːl.juːm/ noun	حجم، ظرفیت
sphere /sfir/ noun	کره، دایره، حوزه
circle /ˈsɜː.kl/ noun	دايره، دور، محيط دايره
ellipse (oval) /I'lips/ noun	بيضي (تخم مرغي شكل)
cone /koʊn/ noun	مخروط، مخروطی
circumference /səˈkʌmp.fə. ³nts/ noun	محيط، محيط دايره، پيرامون
diameter /daɪˈæm.ə.tᢩə/ noun	قطر دایره
radius / rei.di.əs/ noun	شعاع، شعاع دايره
trigonometry / trig.əˈnɑː.mə.tri/ noun	مثلثات
triangle /ˈtraɪ.æŋ.gl/ noun	مثلث، سه گوش
equilateral triangle /ˌiː.kwɪˈlæt¸ ər. əl -/ adjective	مثلث متساوى الاضلاع
angle /ˈæŋ.gl/ noun	گوشه، زاویه
right angle /raɪt -/ adjective	زاوية قائمه
degree /dɪˈgriː/ noun	درجه
calculus /ˈkæl.kjʊ.ləs/ noun	حساب دیفرانسیل و انتگرال، جبر
<b>function</b> / fΛηk.∫ <sup>a</sup> n/ noun	تابع
probability / ˌprɑː.bəˈbɪl.ə.t.j/ noun	احتمال
statistic /stəˈtɪs.tɪk/ noun	آماری، سرشماری
tabulating /ˈtæb.jʊ.leɪtɪŋ/ verb	جدول بندی دادهها
quantitative /ˈkwɑːn.tˌə.teɪ.tˌɪv/ adjective	مقداری، کمی
qualitative /ˈkwɑː.lɪ.teɪ.tˌɪv/ adjective	کیفی
summarization /ˈsʌm.ə.raɪzeɪ.∫ °n/ verb	خلاصه سازی
random / ræn.dəm/ adjective	تصادفى
logic /ˈlɑː.dʒɪk/ noun	استدلال، برهان
induction /ɪnˈdʌk,∫ °n/ noun	قیاس، قیاس کل از جزء، استنتاج، استقراء

14. HI-TECH	
Word	Definition
Hi-tech (high tech; high technology) /haɪ.tek/ noun	فن آوري پيشرفته
sophisticated (advanced) /səˈfɪs.tɪ.keɪ.tɪd/ adjective	پیشرفته، خبره و ماهر، مشکل و پیچیده، مصنوعی
precision /prəˈsɪʒ. ən/ noun	دقت، صراحت، ظرافت
breakthrough /ˈbreɪk.θruː/ noun	پیشرفت یا کشف مهم، پیشرفت غیر منتظره (علمی یا فنی)
electronic products /ɪˌlek'tra:.nɪk.'pra:.dakts/ noun	محصولات الكترونيكي
electronic organ /ɪˌlekˈtrɑː.nɪk.ˈɔːr.gən/ noun	وسيلة الكترونيكي
electronic hearing aid /ɪˌlekˈtrɑː.nɪk.ˈhɪr.ɪŋ.eɪd/ noun	کمک شنوایی الکترونیکی (سمعک)
electron microscope /ɪˈlek.trɑːn.ˈmaɪ.krə.skoop/ noun	ميكروسكوپ (ريزبين الكتروني)
microprocessor / mai.krou pra:.ses. a/ noun	ریز پردازنده (تراشهٔ کوچک ترانزیستوری با قابلیت انجام عملیات حسابی و منطقی)
. 100 // 101/0 1 /	فیبر نوری (رشتهٔ باریک و بلند از یک مادهٔ شفاف مانند شیشه (سیلیکا) یا پلاستیک، دارای
optical fiber /ˈɑːp.tɪ.k ºl.ˈfaɪ.bə/ noun	پهنای باند بسیار بالاتر از کابلهای معمولی)
fiber-optic cable /ˈfaɪ.bə.ˈɑːp.tɪ.k.ˈkeɪ.bl/ noun	کابل فیبر نوری
nuclear fuel /ˈnuː.kliː.ຈ.fjʊəl/ noun	سوخت هستهای، اتمی
nuclear submarine /ˈnuː.kliː.ə.ˌsʌb.məˈriːn/ noun	زیر دریایی اتمی
solar collector (furnace) /ˈsoʊ.lə.kəˈlek.tə/ noun	صفحهٔ جذب کننده تابش خورشید (کورهٔ خورشیدی)
solar cell /ˈsoʊ.ləsel/ noun	سلول خورشیدی (یک قطعهٔ الکترونیکیِ مبدل انرژی نور خورشید به الکتریسیته)
synthetic /sɪnˈθet.ɪk/ adjective	ترکیبی، مرکب از مواد مصنوعی
counterpart /ˈkaʊn.t.əpaːrt/ noun	همتا، نقطهٔ مقابل، قرین
and the section of th	مهندسی ژنتیک (مجموعه روشهایی بهمنظور جداسازی، خالصسازی و واردکردن یک ژن
genetic engineering /dʒəˈnetˌɪk.ˌen.dʒɪˈnɪr.ɪŋ/ noun	خاص در یک میزبان و ایجاد یک صفت یا محصول خاص مورد نظر در جاندار میزبان)
<b>DNA</b> (deoxyribonucleic acid) / di:.en'eɪ/ noun	مادهٔ تشکیل دهندهٔ کروموزومها و حامل اطلاعات ژنتیکی
organ transplanting /ˈɔːr.gən.trænˈsplæntɪŋ/ verb	پیوند زدن عضو
15. E	DUCATION
Word	Definition
	The state of the s

Word	Definition
preschool education (pre-elementary) / pri:.sku:l -/ noun	آموزش پیش دبستانی
pre-elementary /'pri:.,el.ı'men.t.o.i/ noun	دورهٔ مقدماتی قبل از شروع هر دورهای (مانند پیش دانشگاهی و پیش دبستانی)
elementary education (primary -) / el.ı'men.t.yi -/ adjective	آموزش ابتدایی (بچههای در بازهٔ سنی ۵ تا ۱۱ سال)
secondary education / sek. on.der.i -/ adjective	آموزش متوسطه (بچههای در بازهٔ سنی تقریباً ۱۱ تا ۱۸ سال)
educational / ed.jv'ker. f °n. °l/ adjective	آموزشی، مربوط به موضوعات تحصیلی (آموزش و پرورش)
educational facilities /- fəˈsɪl.ə.t jz/ noun	امکانات آموزشی
compulsory /kəmˈpʌl.sə.i/ adjective	اجباری (واحد آموزشی یا دورهٔ تحصیلی)
intellectual /ˌm.t¸əlˈek.tʃu.əl/ adjective	عقلانی، ذهنی، فکری
domain /doʊˈmeɪn/ noun	حوزه، زمینه
nursery / n3:.s3.i/ noun	پرورش گاه، شیرخوار گاه
kindergarten /ˈkɪn.də-ˌgɑːr.t ən/ noun	کودکستان، مهد کودک
institution of higher learning (education) /ˌɪnt.stɪ'tu:.ʃ °n.ɑ:v.'haɪ.ə.'lɔ:nɪŋ/ noun	موسسهٔ آموزش عالی
elementary school / el.ı men.t.o.i.sku:l/ noun	دبستان
middle school / mid.l, sku:l/ noun	مدرسهٔ راهنمایی
high school /hai.sku:l/ noun	مدرسهٔ متوسطه، دبیرستان

هنرستان

vocational high school /voʊˈkeɪ.∫ °n. °l -/ noun

technical high school /'tek.ni.k °l -/ noun	دبیرستان فنی حرفهای
university / ju:.nɪˈvɜː.sə.ti/ noun	دانشگاه
college /ˈkɑː.lɪdʒ/ noun	دانشكده
community college /kəˈmjuː.nə -/ noun	دانشكدهٔ محلی
institute /ˈɪnt.stɪ.tuːt/ noun	موسسه
department /dɪˈpɑːrt.mənt/ noun	ادارهٔ گروه آموزشی، شعبه، بخش
campus /ˈkæm.pəs/ noun	زمین دانشکده و محوطهٔ کالج
accommodation (lodging) /əˌkɑ:.məˈdeɪ.∫ ³n/ noun	محل اقامت، محل سكونت، خوابگاه
<mark>-grader</mark> /-greɪ.də/ <i>suffix</i>	شاگرد مدرسهٔ ابتدایی یا متوسطه، دانشآموز (در سطح کلاسیِ پیشوند)
<mark>freshman</mark> /ˈfre∫.mən/ <i>noun</i>	جدید الورود، دانشجوی سال اول دانشکده
sophomore /ˈsɑː.fə.mɔːr/ noun	دانشجوی سال دوم دبیرستان یا دانشکده (در یک دورهٔ چهار ساله)
junior /ˈdʒuː.njə/ noun	شاگرد سال سوم (در یک دورهٔ چهار ساله)
senior /ˈsiː.njə/ adjective	شاگرد سال آخر دانشگاه (کارشناسی) یا دبیرستان، ارشد، بالا رتبه
undergraduate /ˌʌn.dəˈgræd.ju.ət/ noun	دانشجوی دورهٔ کارشناسی
graduate (student) / grædʒ.u.ət/ noun	دانشجوی تحصیلات تکمیلی، فارغ التحصیل کارشناسی
academic / æk.ə' dem.ık/ adjective	مربوط به مباحث آموزشی در مدرسه یا دانشگاه
transcript (academic performance) / 'træn.skrɪpt/ noun	کارنامه (عملکرد تحصیلی)
credit (credit hour) / kred.rt/ noun	تعداد (ساعت) واحد درسی
grade (score) /greid/ noun	پایه، درجه، رتبه (نمره)
graduation thesis (paper) / grædʒ.u'eɪ.ʃ ən. 'θi:.si:z/ noun	پاياننامهٔ فارغ التحصيلي (مقاله)
completion (of studies) /kəmˈpli:.∫ ³n/ noun	اتمام، تكميل (مربوط به تحصيلات)
satisfy the requirements (fulfill; meet) /'sæt¸ıs.faɪ.ðə.rı'kwaır.mənts/ phrase	گذراندن پیش نیازها (واحدهای مورد نیاز الزامی)
<b>commencement</b> (graduation exercise) /kəˈment.smənt/ noun	جشن فارغ التحصيلي
enrollment /ɪnˈroʊl.mənt/ noun	نامنویسی، ثبت نام
admission /ədˈmɪʃ. ºn/ noun	پذیرش
admissions office /- 'a:.fis/ noun	ادارهٔ پذیرش
entrance examination /'en.trənts.ig,zæm.i'nei.ʃ ³n/ noun	امتحان ورودى
semester (term) /səˈmes.tə/ noun	ترم، نیمسال (دورهٔ ۱۶ هفتهای دانشگاه)
quarter / kwa:.t.o-/ noun	میان ترم
summer session /'sam.o.'sef. on/ noun	ترم تابستانی
tuition /'tu:'ɪʃ. ən/ noun	شهریه، تدریس، حق تدریس
tuition waiver /- 'wei.və/ noun	چشم پوشی از پرداخت شهریه توسط دانشجو (نوعی جایزهٔ مالی یا کمک هزینهٔ تحصیلی)
catalog /ˈkæt¸ əl.ɑːg/ noun	كاتالوگ، فهرست مدون، فهرست نامه
application form / æp.lı'keı,∫ ³n.fə:rm/ noun	برگه درخواست نامه
non-refundable /nɑːn.ˌriːˈfʌn.də.bl/ adjective	غير قابل استرداد (اعتبارات مالياتي تحصيلي) -
prospective /prəˈspek.tɪv/ adjective	دانشجوی آینده (احتمالی)
financial aid (assistance) /far 'næn.tʃ °l.eɪd/ noun	کمکِ مالی
scholarship /ˈskɑː.ləʃɪp/ noun	بورس تحصیلی، کمک هزینهٔ دانشجویی
fellowship /ˈfel.ou.ʃɪp/ noun	کمک هزینهٔ تحصیلی
assistantship /əˈsɪs.t ³nt.∫ɪp/ noun	دستيار
program / prov.græm/ noun	برنامه، دستور کار

discipline /ˈdɪs.ə.plɪn/ noun	زمینهٔ درسی، رشته (علمی، تحصیلی)
liberal arts (humanities) / 'lɪb.ə. əl.ɑ:rts/ noun	علوم انسانی
science course /saɪənts -/ noun	دورة علمي
engineering course / en.dʒɪˈnɪr.ɪŋ -/ noun	دورهٔ مهندسی
curriculum /kəˈrɪk.jʊ.ləm/ noun	برنامهٔ آموزشی، دورهٔ تحصیلات
extracurricular / ek.strə.kə rık.jə.lə/ adjective	فوق برنامهای، فعالیتهای فوق برنامهای دانشآموز (مانند ورزش)
vacation (holiday) /veɪˈkeɪ.∫ ³n/ noun	تعطیلات، مرخصی، مهلت
course /kɔːrs/ noun	دوره، واحد
introductory course / m.trəˈdʌk.t ər.i -/ adjective	دورهٔ مقدماتی
required course /rɪˈkwaɪrəd -/ verb	واحد مورد نیاز (ضروری)
elective (course) /ɪˈlek.tɪv/ adjective	گزینشی، انتخابی (دوره یا واحد)
elective system /iˈlek.tiv -/	سیستم گزینشی
encyclopedia /ın saı.klə pi:.di.ə/ noun	دايره المعارف (مجموعهٔ نوشتاري جامعي شامل اطلاعاتي دربارهٔ همه يا بخشي از شاخههاي دانش)
major / mei.dzə/ adjective	موضوع اصلی مطالعه، ارشد
seminar /ˈsem.i.nɑːr/ noun	سمینار (جلسهٔ بحث و تحقیق در مورد موضوعی خاص)
award (confer) /əˈwɔːrd/ noun	جايزه (اعطاء)
diploma (graduation certificate) /dɪˈploʊ.mə/ noun	- دانشنامه، دییلم (گواهی فارغ التحصیلی)
degree /dɪˈgriː/ noun	رتبه، پایه، دیپلم یا درجهٔ تحصیلی
associate degree /əˈsoʊ.si.eit -/verb	فوق دیپلم
bachelor's degree / bætʃ. °l.o-z.dı'gri:/ noun	مدرک کارشناسی
master's degree / mæs.tə-/ noun	مدرک کارشناسی ارشد
doctor's degree (doctorate) /' dɑːk.tə·z -/ noun	مدرک دکترا (عنوان دکتری)
postdoctoral /poust. 'da:k.tə °l/ noun	درجهٔ فوق دکتری
résumé (curriculum vitae) /ˈrez.ʊ.meɪ/ noun	رزومه، خلاصهای کوتاه از سوابق فردی (از قبیل سوابق تحصیلی، کاری و علاقههای شخصی)
objective /əbˈdʒek.tɪv/ adjective	علمی و بدون اعمال نظر شخصی، واقع گرایانه (اسم: هدف)
educational background (education) /- 'bæk.graund/ noun	سابقة تحصيلي
qualification / kwa:.lr.fr'ker.ʃ°n/ noun	
honor /ˈɑː.nə/ noun	سریت، عدر حیث افتخار، امتیاز تحصیلی (کسب رتبهٔ کلاسی، بورسیهٔ تحصیلی و)، جناب (در خطاب به شخصی)
experience (work experience) /ɪkˈspɪr.i. ants/ noun	تجربه (تجربهٔ کاری)
special skill /'spef. °l.skil/ adjective	عبریه حری (مانند روحیهٔ همکاری، ابتکار عمل، سازگاری و)
proficiency /prəˈfiʃ. ant.si/ noun	مهارت، تخصص، کارآیی
expertise / ek.spa: 'ti:z/ noun	تجربه و تخصص، خبرگی
personal (personal information) /'pa:.s on. ol/ adjective	خصوصی (اطلاعات شخصی)
marital status / mær.i.t. °l. 'stei.təs/ noun	وضعيت تأهل
reference / ref.æ.ənts/ noun	ارجاع، رجوع
letter of recommendation /'let_&.a.vrek.ə.men'dei.∫ °n/ noun	ربعی، ربو <i>ی</i> توصیه نامه
caculty / fæk. °l.tj / noun	وصیه نامه دانشکده یا دانشگاه (قوهٔ ذهنی)
faculty adviser /- ədˈvaɪ.zə/ noun	دانسنده، استادان دانسنده یا دانستاه (فوه دهنتی) استاد مشاور
professor /prəˈfes.ə/ noun	استاد، پروفسور
associate professor /əˈsou.si.eit -/ verb	استاد، پروفسور دانشيار
assistant professor /ə 'sıs.t 'ant -/ noun	استاديار
instructor /mˈstrʌk.tə/ noun	استادیار مربی، آموزگار، آموزشیار
HISTI UCIUT / HI SUAK, to/ NOUN	مربی، اموز تار، اموزس یار

tutor /ˈtuːt¸ə/ noun	معلم سرخانه، ناظر درس دانشجویان
chairman (chair) / tʃeə.mən/ noun	رئیس دانشگاه یا دانشکده (کرسی استادی در دانشگاه)
dean /di:n/ noun	رئیس، رئیس دانشکده
principal /'print.si.p °l/ adjective	رئیس (مدیر مدرسه)
president (chancellor) /'prez.i.d ant/ noun	رئیس، رئیس دانشگاه (صدر اعظم)
alumnus /ə'lʌm.nəs/ noun (plural alumni)	فارغ التحصيلان، دانش أموخته (مذكر)
alumna /əˈlʌm.nə/ noun (plural alumnae)	فارغ التحصيلان، دانش أموخته (مؤنث)
almamater /,a:l.məˈ.ma:.t.ə/ noun	نهاد آموزشی (پرورشگاه، آموزشگاه)

## 16. ARCHITECTURE

Word	Definition
prototype /ˈproʊ.t.ə.taɪp/ noun	نمونهٔ اولیه، مدل پیش الگو
architecture /ˈɑːr.kɪ.tek.tʃə/ noun	معمارى
architect / a:r.ki.tekt/ noun	معمار
beam /bi:m/ noun	تير عمارت
building material /ˈbɪl.dɪŋ.məˈtɪr.i.əl/ noun	مواد و مصالح ساختمانی
building technique /ˈbɪl.dɪŋ.tekˈniːk/ noun	اصولِ مهارت ساخت
construct (construction) /kənˈstrʌkt/ verb	ساختن، بناء كردن
design element /dɪˈzaɪn.ˈel.ɪ.mənt/ noun	عنصر یا اساس طراحی
elevator /'el.i.vei.t.ø/ noun	آسانسور، بالابر
gas station /gæs. 'ster. ʃ °n/ noun	پمپ بنزین
metal-frame / met, ol.freim/ noun	قاب فلزی
new materials /nu:.məˈtɪr.i.əlz/ noun	مواد یا مصالح جدید
archive /ˈɑːr.kaɪv/ noun	بایگانی
aquarium /əˈkwer.i.əm/ noun	آکواریوم (نمایشگاه جانوران و گیاهان آبزی)
cabin /ˈkæb.ɪn/ noun	اتاق کوچک، کلبه، کابین
castle /ˈkæs.l/ noun	قلعه، دژ، قصر
cathedral /kəˈθiː.drəl/ noun	کلیسای جامع
pyramid / pır.ə.mıd/ noun	هرم، به شکل هرم
skyscraper /ˈskaɪˌskreɪ.pə/ noun	آسمان خراش، بلند
wing /wɪŋ/ noun	ساختمان جانبی (بخشی از یک ساختمان وسیع که از قسمت اصلی جلوتر آمده است و
	اغلب بعدها اضافه شده است)

# 17-23. ART

Word	Definition
17. photography /fəˈtɑː.grə.fi/ noun	عکاسی، عکسبرداری، لوازم عکاسی
camera lens /ˈkæm.rə.lenz/ noun	لنز دوربين
darkroom / da:rk.ru:m/ noun	تاریکخانه (در عکاسی و غیره)
exposure /ikˈspoʊ.ʒə/ noun	(مدت زمان) نوردهی، مقدار نوری که به فیلم یا گیرنده تصویر میرسد (ترکیبی از نور موجود و سایر پارامترهای تأثیرگذار در عکسبرداری)
wide-angle lens /waɪd. ˈæŋ.gl ˌlenz/ noun	عدسی دارای زاویه دید بیش از معمول
18. dance /dænts/ noun	رقص
ballet /ˈbæl.eɪ/ noun	رقص ورزشی و هنری (رقص باله)
choreography /ˌkɔːr.iˈɑː.grə.fi/ noun	رقص پردازی، هنر رقص، رقص مخصوصاً در تئاتر و

19. drama /ˈdræm.ə/ noun	درام، نمایشنامه، تئاتر، نمایش
comic /ˈkɑː.mɪk/ adjective	وابسته به کمدی، خندهدار، داستان مصور و طنز
opera /ˈaː.pə.ə/ noun	تماشاخانه، آهنگ اُپرا، اُپرا (آمیزهای از موسیقی و نمایش)
20. literature /ˈlɪtˌə.ɪ.tʃə/ noun	ادبیات، ادب و هنر، مطبوعات
prose /prouz/ noun	نثر، سخن منثور
<mark>diary</mark> /ˈdaɪr.i/ <i>noun</i>	دفترِ خاطرات روزانه، خاطره نویسی
autobiography / a:.t.ə.bar a:.grə.fi/ noun	شرح حال خود، نگارش شرح زندگی شخصی بهوسیلهٔ خود او
editorial /ˌed.əˈtɔːr.i. əl/ noun	سر مقاله (مطلب مهم روزنامه شامل نظر ویراستار در مورد یک موضوع بهخصوص)
narrative prose / nær.ə.t.jv -/ noun	نثر روایی (داستانی)
descriptive prose /dɪˈskrɪp.tɪv -/ adjective	نثر توصیفی (تشریحی)
essay / es.eɪ/ noun	مقاله، انشاء، تأليف
poetry /ˈpoʊ.ə.tri/ noun	چامه سرایی، شعر، فن شاعری، نظم
allegory /ˈæl.ə.gɔːr.i/ noun	تمثيل، كنايه، حكايت
fairy tale /ˈfer.i.teɪl/ noun	حكايت افسانهاى
legend /ˈledʒ. ənd/ noun	افسانه
proverb /ˈprɑː.vɜ·ːb/ noun	ضرب المثل، گفتار حكيمانه
literary criticism /ˈlɪtə̞ə.rer.i.ˈkrɪtə̞ɪ.sɪ.z əm/ noun	انتقاد ادبى
literary studies /ˈlɪtəə.rer.i.stʌd.iz/	مطالعات ادبى
prolific /prəˈlɪf.ɪk/ adjective	خلاق و پرکار
1. fine arts (painting and sculpture) /fam.a:rt/ noun	هنرهای زیبا (نقاشی و مجسمه سازی)
brush /braʃ/ noun	قلم مو
canvas /ˈkæn.vəs/ noun	بوم، پارچهٔ مخصوص نقاشی
charcoal drawing /ˈtʃɑːr.koʊl.ˈdrɑː.ɪŋ/ noun	طراحی با زغال، سیاه قلم
engraving /ɪnˈgreɪ.vɪŋ/ noun	حکاکی
landscape painting /ˈlænd.skeɪp.ˈpeɪn.tˌɪŋ/ noun	نقاشی منظره یا چشم انداز
lithograph /ˈlɪθ.oʊ.græf/ noun	چاپ سنگی، حکاکی روی سنگ، حجاری
fresco /ˈfres.koʊ/ noun	نوعی نقاشیِ اَبرنگی روی گچ، دیوار نگاره
mural /ˈmjʊr. əl/ noun	دیواری، دیوارنما
mural painting /- 'peɪn.t.j.ŋ/ noun	نقاشیهای دیواری
portrait /'po:r.trɪt/ noun	تصویر، نقاشی، عکس یا تصویر صورت
gallery /ˈgæl.ə.i/ noun	گالری، اتاق نقاشی، اتاق موزه
mix colors /miks.'kal.&z/ noun	رنگهای ترکیبی
original /əˈrɪdʒ.ɪ.nəl/ adjective	اصل، اصلی، ابتکاری
replica /ˈrep.lɪ.kə/ noun	نسخة عين، المثنى
reproduction /ˌriː.prəˈdʌk.∫ an/ noun	هم آوری، باز تولید
sculptor /ˈskʌlp.tə-/ noun	مجسمه ساز، حجار، تندیس گر
statue /ˈstætʃ.uː/ noun	تندیس، پیکره، مجسمه
framing /freimin/ noun	قاب کردن، چارچوب گرفتن
pigment /'pɪg.mənt/ noun	رنگ دانه، مادهٔ رنگی
autograph /ˈɑː.tə̞.græf/ noun	دستخط یا امضای خود مصنف
calligraphy /kəˈlɪg.rə.fi/ noun	خوشنویسی، خطاطی
22. movie /ˈmuː.vi/ noun	فیلم، سینما
animated cartoon /ˈæn.ɪ.meɪ.tˌɪd.kɑːrˈtuːn/ noun	داستان مصور متحرک

cartoon /ka:r'tu:n/ noun	کاریکاتور، داستان مصور، کارتون
cast /kæst/ <i>verb</i>	ىعين كردن نقش بازيگر (اسم: بازيگران)
close-up /ˈklousap/ noun	مای نزدیک
director /daɪˈrek.tə ɪ/ noun	کار گردان
documentary / da:.kjəˈmen.tə.i/ noun	ستند
illumination /ɪˌluː.mɪˈneɪ.∫ ³n/ noun	ورپردازی
light-effect /laɪt.ɪˈfekt/ noun	ثر نحوه نورپردازی در سکانسهای مختلف فیلم بر کیفیت آن
review /rɪˈvjuː/ <i>verb</i>	قد و بازبینی کردن
script /skrɪpt/ noun	ىتن نمايشنامە
theme song /θi:m.sa:ŋ/ noun	وسيقى متن
23. music /ˈmjuː.zɪk/ noun	وسيقى
musical instrument /ˈmjuː.zɪ.k əl.ˈɪn.strə.mənt/ noun	لات موسیقی
orchestra /ˈɔːr.kɪ.strə/ noun	ر کست، دستهٔ نوازندگان (در تئاتر: جایگاه ویژه)
string /strin/ noun	ساز زهی
wind /wind/ noun	ساز بادی
fanatical /fəˈnætˌt.ɪ.k əl/ adjective	طرفدار متعصب
folk music /fook -/ noun	وسيقى محلى
pop music /pa:p -/ noun	وسیقی پاپ (تمامی موسیقیهای محبوب، شامل بسیاری از سبکهای متنوع)
classical music /ˈklæs.ɪ.k əl -/ noun	وسیقی کلاسیک (پیرو سبکهای باستانی)
jazz /dʒæz/ noun	وسیقی جاز (نوعی موسیقیِ کلاسیکِ موزون همراه با بداهه نوزای)
band music /bænd -/ noun	ئروه موسيقى
cello (violoncello) / 't∫el.ou/ noun	یولون سل (نوعی ویولون دارای چهار رشته یا زهی)
<b>chamber music</b> /ˈtʃeɪm.bə -/ <i>noun</i>	وسيقى مجلسي
choral society /ˈkɔːr. əl.səˈsaɪ.ə.t j/ noun	ستهٔ سرایندگان (معمولاً در کلیسا)
<mark>chord</mark> /kɔːrd/ <i>noun</i>	ه، کورد (نواخته شدن دو یا چند نوت موسیقی بهطور همزمان)
chorus /ˈkɔːr.əs/ noun	ئروه کر، نغمه سرایان هم آهنگ
<mark>march</mark> /mɑːrtʃ/ <i>noun</i>	ارش، نوعی موسیقی نظامی معمولاً برای رژه (قدم رو)
melody / mel.ə.di/ noun	سدای موسیقی نوا، ترانه
vocal music /ˈvoʊ.k əl -/ adjective	غوانندگی تک نفره بدون موسیقی، موسیقی آوازی
concerto / ka:n.sə 'təʊ/ <i>verb</i>	طعه موسیقی
quality /ˈkwɑː.lə.t.j/ noun	یفیت، خصوصیت، نوع
volume /ˈvɑːl.juːm/ noun	رجهٔ صدا، ولوم
harmony / haːr.mə.ni/ noun	ىارمونى، ھمآھنگى، توازن
<b>symphony</b> /ˈsɪm <i>p</i> .fə.ni/ <i>noun</i>	سمفونی، قطعهٔ طولانی موسیقی، همنوایی
<mark>viola</mark> /viˈoʊ.lə/ <i>noun</i>	يولن بزرگ
<mark>violin</mark> /ˌvaɪəˈlɪn/ <i>noun</i>	يولن
wind instrument /wind. in.stra.mant/ noun	بزار موسیقی بادی
24. ARCI	HEOLOGY
Word	Definition
ancestor /ˈæn.ses.tə/ noun	جد، نیا
ancient civilization /ˈeɪn.tʃ ºnt.ˌsɪv.əl.aɪˈzeɪ.ʃ ºn/ noun	مدن کهن (باستانی)
origin /ˈɔːr.ə.dʒɪn/ noun	خاستگاه، منشا، اصل

originate /əˈrɪdʒ.ɪ.neɪt/ verb	سرچشمه گرفتن، ناشی شدن
anthropology /ˌænt.θrəˈpɑː.lə.dʒi/ noun	انسان شناسی (بخشی از علوم اجتماعی در خصوص توضیح ابعاد وجودی انسان)
paleo-anthropology /peɪ.li.oʊˌænt.θrəˈpɑː.lə.dʒi/ noun	مطالعهٔ انسانهای ما قبل تاریخ
artifact /ˈɑːr.tj.fækt/ noun	مصنوعی، ساختگی
antique /ænˈtiːk/ noun	عتيقه، كهنه، باستاني
antiquity /ænˈtɪk.wə.t.j/ noun	عهد عتیق، روزگار باستان (قدمت)
relic /ˈrel.ɪk/ noun	يادگار، آثار مقدس، عتيقه
clan /klæn/ noun	طايفه، قبيله، دسته
tribe /traɪb/ noun	ایل، قبیله، طایفه
cluster /ˈklʌs.tə/ noun	دسته، گروه
dinosaur /ˈdaɪ.nə.sɔːr/ noun	دایناسور (دستهای از سوسماران دورهٔ تریاسیک)
paleontology / pæl.i.ənˈtɑː.lə.dʒi/ noun	دیرینه شناسی
prehistoric / ˌpriː.hɪˈstɔːr.ɪk/ adjective	وابسته به قبل از تاریخ
excavate (unearth) / ek.skə.veɪt/ verb	کاویدن، حفاری کردن، از خاک در آوردن
hominid /ˈhɑː.mə.nid/ noun	جنس انسان، هر موجود شبه انسان (مانند انسانهای اولیه، میمون آدموار)
Bronze Age /bra:nz.eidʒ/ noun	عصر برنز (دورهٔ ساخت ابزارآلات با فلز برنز، قبل از کشف آهن و بعد از عصر حجر)
Iron Age /airn.eidʒ/ noun	عصر آهن (قبل از میلاد مسیح)
Neolithic Age /ˌniː.ουˈlɪθ.ɪk.eɪdʒ/ adjective	وابسته به عصر حجر جدید، نوسنگی
Mesolithic /ˌmiː.oʊˈlɪθ.ɪk/ noun	میانسنگی (وابسته به دورهٔ مابین عصر حجر قدیم و جدید)
Stone Age /stoon.eidʒ/ noun	عصر حجر
Paleolithic Age /ˌpeɪ.li.oʊˈlɪθ.ɪk.eɪdʒ/ adjective	پارینه سنگی (وابسته به دورهٔ دوم عصر حجر قدیم یا کهنه سنگی)
Rock painting /rɑːk.ˈpeɪn.tˌɪŋ/ noun	سنگ نگاره
remains /rɪˈmeɪnz/ plural noun	اثر باقیمانده، بقایا
ruin /ˈruː.ɪn/ noun	مخروبه، تباهى، ويرانى
skull /skʌl/ noun	جمجمه، کاسهٔ سر
fossil /ˈfɑː.s əl/ noun	سنگواره، فسیل، مربوط به ادوار گذشته
morphology /mɔːrˈfɑː.lə.dʒi/ <i>noun</i>	تاریخ تحولات لغوی، ریخت شناسی (مطالعهٔ ساختار حیوانات، گیاهان، الفاظ و)
25. AGRICULT	URE (FARMING)
Word	Definition
agrarian /əˈgrer.i.ən/ adjective	مربوط به زمین و مالکیت آن (بهخصوص مزرعه)، منطقه یا کشوری که بیشتر وابسته به
	درآمد حاصل از کشاورزی است
agricultural /ˌæg.п'kʌl.tʃə. ºl/ adjective	زراعتی، کشاورزی
<mark>aquaculture</mark> /ˈæk.wə.ˈkʌl.tʃə <i>-/ noun</i>	آبزی پروری
clay /kleɪ/ noun	خاک رس، گل
clod /kla:d/ noun	کلوخ، خاک
corn /kɔ:rn/ noun	ذرت، غله، دانه
cotton /'ka:.t¸ on/ noun	پنبه
cultivate (till) / 'kʌl.t.ə.veɪt/ verb	کشت کردن، زراعت کردن
dairy (dairy cattle) / der.i/ adjective	لبنیاتی (گاوهای شیرده، دامهای شیری، احشام لبنیاتی)
grain (cereal) /greɪn/ noun	حبوبات، غله
greenhouse (glasshouse; hotbed) / gri:n.haus/ noun	گرمخانه (گلخانه، اصطلاح زیست شناسی برای بستر خاکی یک منطقه که به دلایلی از قبیل پوسیدگی و تخمیر کود گرم شده و برای پرورش گیاهان مورد استفاده قرار میگیرد)
harvest /'ha:r.vist/ noun	محصول

hay /heɪ/ noun	علف خشک، یونجهٔ خشک	
insecticide (pesticide) /mˈsek.tɪ.saɪd/ noun	حشره کش (ماده ضد آفت)	
irrigate /ˈɪr.ɪ.geɪt/ verb	آبيارى كردن	
land (soil) /lænd/ noun	زمین، خشکی (خاک)	
livestock /ˈlaɪv.stɑːk/ plural noun	چهار پایان اهلی، احشام	
manure (fertilizer) /məˈnor/ noun	کود کشاورزی (کود)	
pasture /ˈpæs.tʃə/ noun	چراگاه، مرتع	
pea /pi:/ noun	نخود فرنگی، نخود	
pest /pest/ noun	آفت (موجودات زندهٔ مضر برای کشاورزی)	
plantation /plænˈteɪ.ʃ ³n/ noun	کشت و زرع، مزرعه	
roost (hen house) /ruːst/ noun	نشيمن گاه پرنده، لانهٔ مرغ	
soil erosion /sɔɪl.ɪˈroʊ.ʒ ən/ noun	فرسایش خاک (فرآیند جابهجایی ذرات خاک توسط یک عامل انتقال دهنده مانند آب یا باد)	
sow (seed) /sou/ verb	بذر ریختن، کاشتن	
soybean /'soɪbiːn/ noun	سويا	
spray /spreɪ/ noun	افشانه، ترکه، شاخهٔ کوچک	
stable /ˈsteɪ.bl/ noun	طویله، اصطبل	
tomato /təˈmeɪ.t.ou/ noun	گوجه فرنگی	
weed /wi:d/ noun	علف هرزه	
wheat /wi:t/ noun	گندم	
26. METEOROLOGY		
Word	Definition	

Word	Definition
atmosphere /ˈæt.mə.sfir/ noun	هوا، جو
avalanche (snow slide) /'æv. əl.æntʃ/ noun	بهمن
blizzard (snowstorm) / bliz.&d/ noun	باد شدید توأم با برف، کولاک
hail /heɪl/ noun	تگرگ، طوفان تگرگ
climate /ˈklaɪ.mət/ noun	اقلیم، آب و هوا
condense /kənˈdents/ verb	همچگال کردن، متراکم کردن، منقبض کردن
convection /kənˈvek.∫ ³n/ noun	همرفت، انتقال گرما (در مایع)
cold front /koold.frant/ noun	جبههٔ سرد (خط مرزی در سطح زمین بین یک تودهٔ هوای سردِ در حال پیشروی و یک تودهٔ
cold front /koold.frant/ noun	هوای گرم در زیر آن (سبب بالارفتن نزول دما، تغییر جهت وزش باد، رگبار سنگین و))
warm air mass /wɔ:rm.er.mæs/	تودهٔ هوای گرم
crystal /ˈkrɪs.t əl/ noun	کریستال یا بلور (صفت: شفاف یا زلال)
current /'ka:.ant/ adjective	جاری، سیال
humidity /hju: ˈmɪd.ə.t j/ noun	نم، مقدار رطوبت هوا
moisture /ˈmɔɪs.tʃə/ noun	رطوبت، نم
devastation / dev.əˈster.ʃ ən/ noun	تخریب، خرابی، انهدام
dew /du:/ noun	ژاله (شبنم)
disaster (calamity; catastrophe) /dɪˈzæs.tə/ noun	مصیبت، فاجعه (بلای ناگهانی)
shower /ʃaʊr/ noun	رگبار، درشت باران
tempest (storm) / tem.pist/ noun	طوفان، تند باد
torrential rain /tɔːˈrent.∫ al.reɪn/ noun	باران سیل اَسا
droplet / dra:p.lət/ noun	قطرهٔ کوچک
drought /draot/ noun	خشكى، خشكسالى

dust storm /dast.sto:rm/ noun	طوفان گرد و غبار
sandstorm /' sænd.sto:rm/ noun	ماسه باد، طوفان شن
fog (mist) /fa:g/ noun	مه، غبار
forecast (predict) / fo:r.kæst/ noun	پیش بینی وضع آب و هوا
frost /fra:st/ noun	ژاله، شبنم منجمد، برفک
typhoon /tar'fu:n/ noun	گر دباد
hurricane /ˈhɜː.ɪ.kən/ noun	گردباد، طوفان شدید
meteorology / mi:.tj.əˈrɑ:.lə.dʒi/ noun	مبحث تحولات جوی، علم هواشناسی
precipitation /pri: sip.i'tei. on/ noun	بارش، ته نشینی
rainbow / rem.bou/ noun	رنگین کمان، قوس و قزح
saturate /ˈsæt.jʊr.eɪt/ verb	اشباع کردن، آغشتن، بهشدت خیس کردن
smog /sma:g/ noun	مه و دود، مه غلیظ ناشی از دود یا بخارهای شیمیایی
submerge /səbˈmɜːdʒ/ verb	غرق کردن، در آب فرو بردن
tidal wave / tar.d ol.werv/ adjective	موجهای بسیار بزرگ (کشند)
thunder /ˈθʌn.də/ noun	رعد و برق
tropical depression / 'tra:.pi.k °l.di 'pref. °n/ noun	تندباد گرمسیری
vapor /'vei.pə/ noun	بخار، دمه، مه
evaporate /i'væp.æ.eɪt/ verb	تبخیر کردن، تبخیر شدن
wind velocity /wind.vəˈlɑː.sə.t j/ noun	سرعت باد
wind direction /wɪnd.daɪˈrek.ʃ ən/ noun	جهت باد
upper atmosphere /ˈʌp.ə.ˈæt.mə.sfir/ noun	اتمسفر بالا (مرز بين فضا و اتمسفر يا جو زمين)

27	DOL	ITICS	
LI	PUI		

Word	Definition
accusation /ˌæk.jʊˈzeɪ.ʃ an/ noun	تهمت، اتهام
amendment /əˈmend.mənt/ noun	اصلاحیه، پیشنهاد اصلاحی نمایندهٔ مجلس نسبت به لایحه یا طرح قانونی
American Civil War /.əˈmer.ɪ.kən.ˈsɪv. əl.wəːr/ noun	جنگ داخلی آمریکا
colonize /ˈkɑː.lə.naɪz/ verb	استعماركردن
Company / legin group / usur	همایش یا کنگره (گونهای از گردهمآییِ مجمعی از سران دولت، نمایندگان ممالک یا
Congress /ˈkɑːŋ.gres/ noun	دانشمندان در راستای بحث و گفتگو در مورد مسائل سیاسی، اقتصادی، علمی و)
conspiracy /kənˈspɪr.ə.si/ noun	توطئه، دسیسه
election /I'lek. \( \int \angle n \) noun	انتخابات، گزینش
federal system /ˈfed.ə. ºl.ˈsɪs.təm/ adjective	سیستم فدرال (ائتلافی، اتحادی)
immigrant / im.i.grənt/ noun	مهاجر
imprisonment /ɪmˈprɪz. ən.mənt/ noun	حبس، زندانی شدن
Independence War / in.di pen.d onts.wo:r/ noun	جنگ استقلال (جنگ انقلابی اَمریکا)
institutionalize /ˌɪnt.stɪˈtuː.ʃ ən.ə.laɪz/ verb	رسمی کردن، نهادینه کردن، تشکیل نهادهای دولتیِ نظارتی یا اجرایی
legislation / ledʒ.r'sler.ʃ °n/ noun	وضع قانون، تدوین و تصویب قانون، قانون
metropolitan / met.rə pa:.lı.t ən/ adjective	وابسته به پایتخت یا شهرهای بزرگ
military / mɪl.ɪ.ter.i/ adjective	نظامی، جنگی
monarchy /ˈmɑː.nə.ki/ noun	سلطنت، رژیم سلطنتی
municipal /mjuːˈnɪs.ɪ.p ºl/ adjective	وابسته به شهرداری، شهری
office holding /'a:.fis.'hoʊl.dɪŋ/ noun	سمت رسمی (مدیریت)

overturning /ˌoʊ.vəˈtɜːnɪŋ/ noun	انهدام، براندازش
<b>presidential system</b> / prez.r'den.tʃ °l.'sis.təm/ noun	سیستم ریاست جمهوری
radical /ˈræd.ɪ.k ³l/ adjective	سیاست مدار افراطی، طرفدار اصلاحات اساسی
release /rɪˈliːs/ <i>verb</i>	رهایی، آزادی، ترخیص، بخشش
Republican /rɪˈpʌb.lɪ.kən/ noun	جمهوری، جمهوری خواه، گروهی
Senate /sen.ət/ noun	مجلس سنا (نوعی مجلس قانون گذاری متشکل از اشراف، اشخاص باتجربه و سال خورده)
vote /vout/ verb	اخذ رأي، رأي دادن، فعاليت انتخاباتي كردن
28.	ZOOLOGY
Word	Definition
amphibian (amphibious animal) /æmˈfib.i.ən/ noun	دوزیستان (حیوان دوزیست)
paleontologist / peɪ.li.ɑːnˈtɑː.lə.dʒɪst / noun	دیرینه شناس (محقق زیست شناسی دوران قدیم یا کهنه سنگی)
creature /ˈkriː.tʃə/ noun	موجود، جانور
fauna /ˈfɑː.nə/ noun	مجموعه گونههای جانوری یک منطقهٔ جغرافیایی یا یک دورهٔ معین
invertebrate /ɪnˈvɜː.tˌə.brət/ noun	بی مهره
vertebrate /ˈvɜː.tˌə.brət/ adjective	مهره داران
barren /ˈbær. ºn/ adjective	بی ثمر، عقیم، نازا
breed /bri:d/ noun	گونه، نوع، فرزند
offspring /'a:f.sprin/ noun	فرزند، زاده (محصول یا نتیجهٔ چیزی)
extinction /ıkˈstɪŋk.∫ ³n/ noun	انقراض
multiply (reproduce) / mʌl.t.j.plaɪ/ verb	تکثیر کردن (زاد و ولد)
heredity /həˈred.ə.ti/ noun	انتقال موروثي، وراثت
hormone /'hɔ:r.moʊn/ noun	هورمون
specimen / spes.ə.min/ noun	نمونه (جهت آزمایش)
food chain /fu:d.tʃeɪn/ noun	زنجیرهٔ غذایی (حلقههای زنجیرهایِ وابستگی غذایی همهٔ موجودات زنده به یکدیگر)
calorie /ˈkæl.ə.i/ noun	کالری (واحد سنجش مقدار انرژی حاصل از مواد غذایی)
ingestion /ɪnˈdʒes.tʃ ən/ noun	قورت دادن، مصرف
digestion /da1'dʒes.t∫°n/ noun	هضم، گوارش
anatomy /əˈnæt¸ə.mi/ noun	استخوان بندى
organ /ˈɔːr.gən/ noun	عضو، اندام
intestine /in'tes.tin/ noun	روده
reproductive system / ri:.prəˈdʌk.tɪv.ˈsɪs.təm/ noun	سیستم تناسلی
respiration / res.pı rei.∫ °n/ noun	تنفس، دم زنی
secretion /sr'kri:.ʃ °n/ noun	ترشح، تراوش، دفع
vein /veɪn/ noun	ورید، سیاهرگ (رگی که خون را از اندامها به قلب باز می گرداند)
parasite / per.ə.saɪt/ noun	انگل (موجودات تغذیه کننده از موجوده زندهٔ دیگر، حداقل در بخشی از زندگی خود)
immunity /ıˈmju:.nə.tj/ noun	ایمنی، مصونیت (توانایی یک موجود زنده برای مقاومت در برابر عفونت خاص یا سم)
mammal /ˈmæm. ºl/ noun	پستاندار
primate /'prai.mət/ noun	راستهٔ پستانداران نخستین پایه، نخستیها (مانند میمون، بوزینه و)
carnivore /ˈkɑːr.nɪ.vɔːr/ noun	گوشتخوار
herbivorous /hɔ: 'bɪv.ə.əs/ adjective	گیاهخوار، گیاهخواری
domesticate /dəˈmes.tɪ.keɪt/ verb	اهلی کردن، رام کردن
migrate /maɪˈgreɪt/ verb	کوچ کردن، مهاجرت کردن

fat /fæt/ adjective	فربه، چربی زیر پوست و یا اطراف ارگانهای خاص، روغن حیوانی، پیه
warm-blooded animal / wɔ:rmˈblʌd.ɪd.ˈæn.ɪ.məl/ adjective	حیوان خون گرم (حیواناتِ با دمای بدنیِ ثابت و فعالیتِ بدنیِ معمول در شرایط تغییر آب و هوایی)
cold-blooded animal /ˌkoʊldˈblʌd.id.ˈæn.ɪ.məl/ noun	حیوان خون سرد (حیواناتِ با دمای بدنیِ متغیر و میزان فعالیتِ وابسته به درجه حرارت محیط)
predatory / pred.ə.tə:r.i/ adjective	درنده، تغذیه کننده از شکار
hibernate /'haɪ.bə.neɪt/ verb	ه خواب زمستانی رفتن (گیاهان و جانوران)
chimpanzee / tʃim.pæn'zi:/ noun	ىيمون آدم وار، شامپانزه
herd /ha:d/ noun	ئله چهارپایان
predator / pred.ə.t. <i>-p./ noun</i>	حيوان درنده
prey /preɪ/ noun	شکار، صید، طعمه
camouflage /ˈkæm.ə.flɑːʒ/ noun	ستتار، پوشش
$\textbf{protective camouflage} \ / \textbf{pro'tek.tiv.'kæm.o.fla:} \textit{3} / \ \textit{noun}$	ستتار محافظتى
armor/'a.r.mə-/ noun	ره، زره پوش
aquatic /əˈkwæt¸ık/ adjective	ابسته به آب، جانور یا گیاه آبزی
marine biology /məˈriːn.barˈɑː.lə.dʒi/ noun	یست شناسی دریایی
coral /ˈkɔːr.əl/ noun	<b>ر</b> جان
crab /kræb/ noun	<i>ع</i> رچنگ
lobster /ˈlɑːb.stə/ noun	گوشت) خرچنگ دریایی
scale /skeɪl/ noun	ولک یا پوستهٔ بدن جانور، فلس
shell /ʃel/ noun	وست، صدف حلزون، كاسه يا لاك محافظ جانور (مانند كاسهٔ لاك پشت)
shrimp /ʃrɪmp/ noun	يگو (ملخ)
frog /fra:g/ noun	ورباغه، وزغ، غوک
tadpole /ˈtæd.poʊl/ noun	چه قورباغه
whale /weil/ noun	ال، نهنگ (بال)
tentacle /ˈtən.tə.kl/ noun	و یا شاخک حساس جانور (مانند شاخک ماهی یا موی سبیل گربه)
<mark>ornithology</mark> /ˌɔːr.nəˈθɑː.lə.dʒi/ <i>noun</i>	بحث پرنده شناسی
bat /bæt/ noun	ففاش، شب پره
bird /b3:d/ noun	رنده، مرغ، جوجه
canary /kəˈner.i/ noun	نارى
feather /ˈfeð.ə/ noun	ر، پروبال
wing /wɪŋ/ noun	ال
flock /fla:k/ noun	ئله، رمه، دستهٔ پرندگان
nest /nest/ noun	(نه، آشیانه
<mark>hatch</mark> /hæt∫/ <i>verb</i>	خم گذاشتن، روی تخم نشستن، جوجه بیرون آمدن
incubation /ˌɪŋ.kjʊˈbeɪ.∫ °n/ <i>noun</i>	ورهای که مرغ روی تخم میخوابد (دورهٔ نهفتگی (کمون) یک بیماری)
reptile /'rep.taɪl/ noun	عيوان خزنده
lizard /ˈlɪz.əd/ noun	ارمولک، سوسمار
turtle /ˈtɜː.tl̥/ noun	ک پشت (کبوتر قمری)
insect /'ɪm.sekt/ noun	<i>حشره، کرم ریز، کرم خوراک (مانند کرم پنیر و)</i>
entomology / en.tə 'ma:.lə.dʒi/ noun	علم حشره شناسی
larva /ˈlɑːr.və/ noun	کرم، کرم حشره
worm /ws:m/ noun	کرم، مار، خزنده
insecticide /ɪnˈsek.tɪ.saɪd/ noun	حشره کش

29. CHARACTER		
Word	Definition	
artist / a:r.t.jst/ noun	هنرمند، هنر پیشه، صنعتگر	
choreographer / kɔːr.iˈɑː.grə.fə/ noun	رقص پردازی، هنر رقص، رقص مخصوصاً در تئاتر و	
critic /ˈkrɪt¸ɪk/ noun	منتقد، نکوهش گر، کارشناس	
inventor /ɪn'ven.tə/ noun	مخترع، جاعل	
biographer /baiˈaː.grə.fə/ noun	شرح حال نویس، زندگینامه نگار	
sculptor /ˈskʌlp.tə/ noun	مجسمه ساز، حجار، تندیس گر	
feminist / fem.i.nist/ noun	طرفدار حقوق زنان	
humanitarian /hjuːˌmæn.ɪˈter.i.ən/ adjective	انسان دوستانه، بشر دوست، نوع پرست	
precursor / pri: 'k3:sə/ noun	پیشرو، منادی	
disciple /dɪˈsaɪ.pl/ noun	شاگرد، پیرو، موافق، طرفدار	
apprentice /əˈpren.t.js/ noun	شاگرد، کارآموز	
mechanic /məˈkæn.ɪk/ noun	مکانیک	
territory / ter.i.to:r.i/ noun	حوزهٔ کاری	
odd /a:d/ adjective	فرد غیرعادی، عجیب و غریب	
erratic /ɪˈrætᢩ.ɪk/ adjective	متلون، دمدمی مزاج، غیر معقول، سرگردان	
weird /wird/ adjective	عجیب و غریب، خارق العاده، آدم عجیب	
romantic /roʊˈmæn.tˌɪk/ adjective	خیالی، تصوری، عاشقانه	
innocent /ˈɪm.ə.s ənt/ adjective	بی گناه، معصوم، آدم ساده	
emotional /ɪˈmoʊ.ʃ ən. əl/ adjective	عاطفى	
sentimental /ˌsen.təˈmen.təˈl/ adjective	احساساتي	
rigid /ˈrɪdʒ.ɪd/ adjective	سخت، سفت و محکم، جدی	
clumsy /ˈklʌm.zi/ adjective	دست و پا چلفتی، نا آزموده، بد ترکیب	
contemporary /kənˈtem.pə.rer.i/ adjective	معاصر، هم دوره	
acclaimed /əˈkleɪmd/ adjective	تحسين برانگيز	
versatile /ˈvɜː.sə.təl/ adjective	دارای استعداد و ذوق، سلیس، همه کاره	
household / haus.hould/ noun	صمیمی، اهل خانه (صفت: خانگی)	
authentic /α: 'θen.t.j.k/ adjective	معتبر، موثق، قابل اعتماد	
symbolic /sim'ba:.lik/ adjective	نمادی، رمزی، علامتدار، کنایهای	
immortal /1'mɔːr.t¸°l/ adjective	جاویدان، جاوید، ابدی، فنا ناپذیر	
emotive /ɪˈmoʊ.t.jv/ adjective	وابسته به احساسات	
classic / klæs.ık/ adjective	کلاسیک (مطابق بهترین نمونه، پیرو سبکهای باستانی)	
nostalgia /na: 'stæl.dʒə/ noun	نوستالژی (تداعی خاطرات تلخ و شیرین، خاطره انگیز، احساس دلتنگی)	
30. ECC	DNOMY	
Word	Definition	
<b>subsistence level</b> /səbˈsɪs.t ənts.lev. əl/ noun	سطح معیشت	
kinship /ˈkɪn.ʃɪp/ noun	نسبت، ارتباط بين ارقام	
commodity /kəˈmɑː.də.t.j/ noun	كالا، جنس، متاع	
check /tʃek/ verb	چک بانکی، حواله	
interest / in.trist/ noun	بهره، سود، سهم	
withdraw /wið 'dra:/ verb	بازگیری یا خالی کردن حساب بانکی	
the Great Depression /ðə.greit.diˈpreʃ. °n/ noun	رکود عظیم (بدترین رکود اقتصادی در تاریخ صنعتی جهان)	
affluence /ˈæf.lu.ənts/ noun	ثروت، فراوانی	
sophisticated /səˈfis.tɪ.keɪ.tɪd/ adjective	خبره و ماهر، پیچیده، درسطح بالا	

## COMPLEMENTARY PART OF DEFINITION

## Words and pronunciations

<b>1. universe</b> /ˈjuː.nɪ.vɜ·ːs/ (n)	young /jʌŋ/ (adj)	nutritious / nu: ˈtrɪʃ.əs/ (adj)
heavenly body /'hev. on.li.'ba:.di/ (n)	botanic /bəˈtæn.ɪ.k/ (adj)	snack bar /snæk.bɑːr/ (n)
astronavigation /æs.troʊˌnæv.ɪˈgeɪ.ʃ ən/ (n)	shoot /ʃuːt/ (v)	sunny-side up /ˈsʌn.i.saɪd.ʌp/ (phr)
nebulous /'neb.jv.ləs/ (adj)	blossom /ˈblɑː.s əm/ (v)	over /ˈoʊ.və/ (prep)
Milky Way / mɪl.ki.weɪ/ (n)	wilt /wɪlt/ (v)	seasoning /ˈsiː.z ən.ɪŋ/ (n)
asteroid /ˈæs.tə.rəɪd/ (n)	pulp /pʌlp/ (n)	grill /grɪl/ (v)
outer space / au.t.o.speis/ (n)	skin /skɪn/ (n)	simmer /ˈsɪm.ə/ (n)
spaceship /'speis.fip/ (n)	<b>bush</b> /bʊʃ/ (n)	11. trait /treɪt/ (n)
astronaut /ˈæs.trə.nɑ:t/ (n)	tisane /tɪˈzæn/ (n)	born /bɔ:rn/ (v)
cosmonaut /'ka:z.mə.na:t/ (n)	6. association /əˌsoʊ.siˈeɪ.ʃ ən/ (n)	optimistic / a:p.təˈmɪs.tɪk/ (adj)
2. Antarctica /ænˈtɑːrk.tɪ.kə/ (n)	racial /ˈreɪ.ʃəl/ (adj)	joyful /ˈdʒɔɪ.f əl/ (adj)
cave /keɪv/ (n)	conduct /kənˈdʌkt/ (n)	joyous /ˈdʒɔɪ.əs/ (adj)
underground /ˌʌn.dəˈgraʊnd/ (adj)	isolation / al.s əl.el. $\int an/(n)$	fervent / f₃∴v ant/ (adj) (ALSO fervid)
strait /streit/ (n)	morality /mɔːˈræl.ə.t.j/ (n)	passionate /ˈpæʃ.ə.nɪt/ (adj)
<b>geothermal</b> /ˌdʒiː.oʊˈθɜ·.məl/ (adj)	abide by (sth) /əˈbaɪd.baɪ/ (phr.v)	warmhearted / wɔ:rm'hɑ:r.tjd/ (adj)
<b>geomagnetism</b> / dʒi:.əvˈmæg.nə.tʒi.z əm/ (n)	breach /briːtʃ/ (n)	zealous /ˈzel.əs/ (adj)
3. earth science /3:θ.saɪənts/ (n)	rich /rɪtʃ/ (adj)	social /ˈsoʊ.∫ ³l/ (adj)
stratum /ˈstræ.əm/ (n)	wealthy /ˈwel.θi/ (adj)	hearty /ˈhɑːr.t j/ (adj)
<b>decomposition</b> / di:.ka:m.pəˈzɪʃ. ən/ (n)	clash /klæʃ/ (n)	genial /ˈdʒiː.ni. əl/ (adj)
quicksilver /ˈkwɪkˌsɪl.və/ (n)	crash /kræʃ/ (v)	earnest /ˈɜ·ː.nɪst/ (adj)
age /eɪdʒ/ (n)	disagreement / dis.əˈgriː.mənt/ (n)	genuine /ˈdʒen.ju.ɪn/ (adj)
period /ˈpɪr.i.əd/ (n)	7. jam /dzæm/ (n)	frank /fræŋk/ (adj)
refrigerated /rɪˈfrɪdʒ.ə·.eɪtəd/ (adj)	carriage /ˈker.ɪdʒ/ (n)	straightforward / streit foir.word/ (adj)
freezing /ˈfriː.zɪŋ/ (adj)	auto /a:.toʊ-/ prefix	reliable /rɪˈlaɪə.bl/ (adj)
melt /melt/ (v)	car /kɑːr/ (n)	dependable /dɪˈpen.də.bl/ (adj)
end /end/ (n)	bike /baɪk/ (n)	<b>bountiful</b> /ˈbaʊn.tɹ.f əl/ (adj)
quake /kweik/ (v)	emit /ı'mɪt/ (v)	generous / dzen.ə.əs/ (adj)
tremor /'trem.ə/(n)	maintenance / mein.ti.nənts/ (n)	compassionate /kəmˈpæʃ. ən.ət/ (adj)
seism /ˈsaɪzm/ (n)	thoroughfare /ˈθɜː.ə.fer/ (n)	erudite /'er.v.daɪt/ (adj)
focus /ˈfoʊ.kəs/ (n)	underground /ˌʌn.dəˈgraʊnd/ (adj)	smart /sma:rt/ (adj)
seismic /ˈsaɪz.mɪk/ (adj)	prow /prau/ (n)	bright /braɪt/ (adj)
shock /ʃɑːk/ (n)	aboard /əˈbɔːrd/ (adv, prep)	many-sided / men.i sar.drd/ (adj)
4. nature /ˈneɪ.tʃə/ (n)	aircraft / er.kræft/ (n)	multi-faceted / mʌl.t.j ˈfæs.ɪ.t.jd/ (adj)
biosphere /ˈbaɪ.oʊ.sfir/ (n)	<b>boundary</b> /ˈbaʊn.də.i/ (n)	qualified /ˈkwɑː.lɪ.faɪd/ (adj)
ozonosphere /ˈoʊ.zoʊnos.fir/ (n)	8. factor / fæk.tæ/ (n)	diligent /ˈdɪl.ɪ.dʒ ənt/ (adj)
toxic /ˈtɑːk.sɪk/ (adj)	extroverted / 'ek.strə.və:tid / (adj)	arduous /ˈɑːr.dʒu.əs/ (adj)
waste water /weist.'wa:.t.g-/ (n)	<b>psychopathology</b> / sai.kov.pəˈθα:.lə.dʒi/ (n)	laborious /ləˈbɔːr.i.əs/ (adj)
reduce /rɪˈduːs/ (v)	mad /mæd/ (adj)	clever /ˈklev.ə/ (adj)
<b>5. block</b> /bla:k/ (n)	lunatic /ˈluː.nə.tˌɪk/ (n)	wise /waɪz/ (adj)
life /larf/ (n)	9. bowel /baʊəl/ (n)	sensible /ˈsent.sɪ.bl/ (adj)
amphibious animal /æm' fib.i.əs -/ (n)	spasm /'spæz. °m/ (n)	thrifty /ˈθrɪf.ti/ (adj)
slothful /ˈsloυθ.f əl/ (adj)	blood /blad/ (n)	economical / iː.kəˈnɑː.mɪ.k əl/ (adj)
horde /ho:rd/ (n)	neurobiology /nor'a:.bar'a:.lə.dʒi/ (n)	curious /ˈkjʊr.i.əs/ (adj)
bunch /bʌntʃ/ (n)	10. grain /grein/ (n)	prying /pra.in/ (n)
reproduce / ri:.prəˈduːs/ (v)	Nut /nʌt/ (n)	hasty / hei.sti/ (adj)
hatch /hætʃ/ (v)	leaven / lev. <sup>a</sup> n/ (v)	rash /ræʃ/ (n)
carnivorous /kɑːrˈnɪv.ə.əs/ (adj)	ferment / fo ment/ (v)	odd /a:d/ (adj)
nestle /'nes.1/ (v)	beef /bi:f/ (n)	eccentric /ekˈsen.trɪk/ (adj)
men /men/ (pl.n)	hamburger /ˈhæmˌbɜː.gə/ (n)	dubious /ˈduː.bi.əs/ (adj)
social /'sov.ʃ əl/ (adj)	starch /sta:rtʃ/ (n)	doubtful /ˈdaʊt.f əl/ (adj)

suspicious /səˈspɪ∫.əs/ (adj)	awkward /ˈɑː.kwəd/ (adj)	paper /'peɪ.pə-/ (n)	
loath /loυθ/ (adj)	uninformed / ˌʌn.ɪnˈfɔːrmd/ (adj)	fulfill /folˈfil/ (v)	
alert /əˈlɜːt/ (adj)	incapable /mˈkeɪ.pə.bl/ (adj)	meet /mi:t/ (v)	
watchful /ˈwɑːtʃ.f əl/ (adj)	unfit /ʌnˈfɪt/ (adj)	graduation exercise	
wary /'wer.i/ (adj)	untrustworthy /ˌʌnˈtrʌstˌwɜː.ði/ (adj)	/ grædʒ.u'ei.∫ ³n.'ek. sæ.saiz/ (n)	
careful /ˈker.f əl/ (adj)	unreliable /ˌʌn.rɪˈlaɪə.bl/ (adj)	<b>term</b> /t3·:m/ (n)	
prudent /ˈpruː.d ənt/ (adj)	neglectful /nɪˈglekt.f əl/ (adj)	assistance /əˈsɪs.t ənts/ (n)	
discreet /dɪˈskriːt/ (adj)	impartial /ɪmˈpɑːr.∫ ºl/ (adj)	humanities /hju: 'mæn.ə.t jz/ (n)	
cool /ku:l/ (adj)	fair /fer/ (adj)	holiday /ˈhɑː.lɪ.deɪ/ (n)	
calm /kɑːm/ (adj)	unbiased /ʌnˈbaɪəst/ (adj)	course /kɔːrs/ (n)	
self-controlled / self.kənˈtroʊld/ (adj)	unprejudiced /An. 'pred3.v.dist/ (adj)	confer /kənˈfɜ·:/ (v)	
restrained /rɪˈstreɪnd/ (adj)	<b>12. therapy</b> /ˈθer.ə.pi/ (n)	graduation certificate /- səˈtɪf.ɪ.kət/ (n)	
moody /ˈmuː.di/ (adj)	instruments / 'in.strə.mənt/ (n)	doctorate /'da:k.tə.ət/ (n)	
dejected /dɪˈdʒek.tɪd/ (adj)	medicine /'med.r.sən/ (n)	curriculum vitae /kəˌrɪk.jʊ.ləmˈviː.taɪ/ (n)	
disappointed / dis.əˈpɔɪn.tˌɪd/ (adj)	drug /drʌg/ (n)	education / ed.jv ker. f on/ (n)	
uneasy /ʌnˈiː.zi/ (adj)	pill /pɪl/ (n)	work experience /wɜːk.ɪkˈspɪr.i. ənts/ (n)	
care /ker/ (n)	capsule /ˈkæp.s əl/ (n)	personal information /- in.fə 'mei. f an/ (n)	
cowardly /ˈkaʊ.ə·d.li/ (adj)	narcotic /na:r'ka:t,.tk/ (n)	chair /tʃer/ (n)	
unpretentious / ˌʌn.prɪˈten.ʃəs/ (adj)	pain-killer /ˈpeɪnˌkɪl.ə/ (n)	chancellor /ˈtʃænt.s əl.ə/ (n)	
languid /ˈlæŋ.gwɪd/ (adj)	efficacy / ef.ɪ.kə.si/ (n)	16. construction /kənˈstrʌk.ʃən/ (n)	
obstinate / 'a:b.stə.nət/ (adj)	dental surgeon /ˈden.t ̪ ºl. ˈsɜ-ː.dʒ ºn/ (n)	21.painting / pein.tin/ (n)	
persevering / p3:.səˈvɪr.ɪŋ/ (adj)	dietitian / daɪ.əˈtɪʃ. ən/ (n)	sculpture /ˈskʌlp.tʃə/ (n)	
dogged /'da:.gid/ (adj)	pharmacy /ˈfɑːr.mə.si/ (n)	23.violoncello / viː.ə.la:nˈtʃe.loʊ/ (n)	
insistent /ɪnˈsɪs.t ənt/ (adj)	ill /ıl/ (adj)	24.unearth /Λn' 3:θ/ (v)	
unbending /An'ben.din/ (adj)	sick/sik/ (adj)	25.till /tɪl/ preposition , conjunction	
scornful /ˈskɔːrn.f əl/ (adj)	cut /kʌt/ (n)	dairy cattle /ˈder.i.ˈkætˌl/ (pl.n)	
vainglorious /vein. 'glo:r.i.əs/ (adj)	wound /wu:nd/ (n)	cereal /'sır.i.əl/ (n)	
arrogant /'er.ə.g <sup>a</sup> nt/ (adj)	bleeding /ˈbliː.dɪŋ/ (adj)	glasshouse / glæs.haus/ (n)	
supercilious /ˌsuː.pəˈsɪl.i.əs/ (adj)	handicapped /ˈhæn.dɪ.kæpt/ (adj)	hotbed / ha:t.bed/ (n)	
governing /ˈgʌv.ə.nɪŋ/ (adj)	malformation / mæl.fə ˈmeɪ.ʃ ³n/ (n)	pesticide / pes.t.p.said/ (n)	
	misshapen / mrs ˈʃeɪ.p ən/ (adj)	soil /soil / noun	
overbearing / ov.vəˈber.ɪŋ/ (adj)	1 1 2 1		
tyrannical /tɪˈræn.ɪ.k əl/ (adj)	fatal /'fer.t <sub>y</sub> °l/ (adj)	fertilizer /ˈfɔ·ː.t¸ əl.aɪ.zə ɪ/ (n)	
daring /'der.ɪŋ/ (adj)	flu /flu:/ (n)	hen house /hen.haus/ (n)	
audacious /ɑːˈdeɪ.ʃəs/ (adj)	germ /dʒɜ:m/ (n)	seed /si:d/ (v)	
avish /ˈlæv.ɪʃ/ (adj)	bacteria /bækˈtɪr.i.ə/ (n)	26.snow slide /snov.slaid/ (n)	
quarrelsome /ˈkwɔːr. ºl.səm/ (adj)	high-blood pressure /haɪ.blʌd.ˈpreʃ.ə/ (n)	snowstorm /ˈsnoʊ.stɔːrm/ (n)	
belligerent /bəˈlɪdʒ.ə.ənt/ (adj)	13. sum total /sam. 'tou.t, °l/ (n)	calamity /kəˈlæm.ə.t.j/ (n)	
fierce /firs/ (adj)	oblong /ˈɑː.blɑːŋ/ (n)	catastrophe /kəˈtæs.trə.fi/ (n)	
unfriendly /ʌnˈfrend.li/ (adj)	oval /ˈoʊ.v əl/ (adj)	storm /'sto:rm/ (n)	
rritating /ˈɪr.ɪ.teɪ.tˌɪŋ/ (adj)	14. high technology /har.tek 'nɑ:.lə.dʒi/ (n)	mist /mɪst/ (n)	
annoying /əˈnɔɪ.ɪŋ/ (adj)	advanced /əd'væntst/ (adj)	predict /prɪˈdɪkt/ (v)	
ill-humoured /ɪl.hju:.mɜ·:d/ (adj)	furnace /ˈfɜ·ː.nɪs/ (n)	28.amphibious animal /æmˈfib.i.əs -/ (n)	
unrelenting /ˌʌn.rɪˈlen.tˌɪŋ/ (adj)	deoxyribonucleic acid	reproduce /ˌriː.prəˈduːs/ (v)	
heedless /ˈhiːd.ləs/ (adj)	/diˈɑːksi.ˌraɪ.boʊ.nuː.kliː.ɪkˈæs.ɪd/ (n)		
egotistic / i:.gov tɪs.tɪ.k/ (adj)	15. primary / prai.mo.i/ (adj)		
rapacious /rəˈpeɪ.ʃəs/ (adj)	lodging /ˈlɑː.dʒɪŋ/ (n)	(The kites always rise with adverse winds	
greedy /ˈgriː.di/ (adj)	student /'stu:.d ant/ (n)	Good luck!	
miserly /ˈmaɪ.zə.li/ (adj)	academic performance	Mainly accomplished by	
insincere / ˌɪn.sɪnˈsɪr/ (adj)	/ˌæk.əˈdem.ɪk.pə-ˈfɔːr.mənts/ (n)	Mainly accomplished by:  • Wikipedia	
silly /ˈsɪl.i/ (adj)	credit hour /'kred.it.aur/ (n)	Wikipedia     Cambridge Advanced Learner's Dictionary	
stupid /ˈstuː.pɪd/ (adj)	score /skɔːr/ (n)	(3rd Edition)	